

ارقصیده گویان که با ایشان معاصر بوده اند و درین رکن ریاده از چهل<sup>۱</sup> کامل مذکور شده بترتیب مذکور» (یعنی بترتیب تاریخ فوتشان) و این رکن با «شیخ مصلح الدین سعدی» شروع شده با «شاه شجاع کرمانی» تمام میشود.

مؤلف این رکن را بنام شاه عباس بررگ صوفی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) عنوان کرده و ما سدرکن اول اینحا بیرار او مدح و ثنا گفته است<sup>۲</sup>

رکن سوم (= مجلد چهارم) - «آن بیر مشتملت بر دگر عرل گویان و بعضی ارقصیده گویان متأخرین و درین رکن ریاده از چهل<sup>۳</sup> کس نام برده شد». این رکن با «حواجه شمس الدین محمد حافظ» شروع شده با «مولانا فائی» تمام میشود در آثار این رکن مؤلف در باره سه طبقه صوفی «واصلان و سالکان و مقیمان» بحث کرده است<sup>۴</sup>

رکن چهارم (= مجلد پنجم) - «و آن مشتملت بر حالات شعرای زمان سلطان حسین میررالی زمان هدا التالیف و درین رکن ریاده از<sup>۵</sup> صاحب دیوان مسطور گشته» این رکن با «مولانا عبدالرحمن جامی» شروع شده با «مولانا عرالی مشهدی» تمام میشود

حاجتمه (اول) - «و آن مشتملت بر دگر بسیاری از شعرای عصر و زمان تألیف این نسخه حیرمآل و بترتیب آن بر دو آورده شهر<sup>۶</sup> داده شده» در نسخه بلائید در قسمت «حاجتمه»

۱- اما در متن نسخه مجلس سن ۱۹۳۵ از کتب اهدائی شاهراده فیروزی اشیرنگر ۲ و

در نسخه بلائید ۴ شاعر ذکر شده اند

۲- ر ک نسخه بلائید

۳- اما در متن نسخه مجلس فوق ۵ و در نسخه بلائید ۹ شاعر آمده اند

۴- ر ک نسخه بلائید.

۵- در متن نسخه مجلس سن ۱۹۳۵ مذکور ۱۰۲ شاعر ذکر شده اند نسخه بلائید در کس

چهارم ندارد اما در اول آن عدد ۱۰۱ شاعر ذکر شده است

۶- نسخه اشیرنگر سیرده اصل دارد و آنجا اصل سیردهم در ذکر شعرای حراسان

میباشد

چهار صدویارده شاعر ذکر شده اند.

در نسخه ش ۳۳۴ - مجلس (مورخ ۲۳ رحب ه) مؤلف توضیح داده است که خاتمه کتاب خلاصه الاشعار را بعد از روح آسمان بر دوازده اصل قسمت نموده و بارها اصلی را بدو فصل تقسیم کردند بدین ترتیب  
فصل اول درد کرسخ و رانی که الیوم بار از فصاحت بدرر العاط ایشان آراسته است  
و دکان بلاغ بحر معانی ایشان پیراسته»

فصل دوم در ایراد اشعار سحرورانی که بعضی از آن قیلاند که بنده بیمه دار بخدمت ایشان در صعر سن رسیده و فیص می نهایت از نظر کیمیا انرا یسان یافته و الحال در عرصه فنا سا کسد و جمعی دیگر از ایشان را ندیده و بملازمت بر سیده»  
دوازده «اصل» این تذکره بهر از زیر است<sup>۱</sup>

|                                 |                                  |
|---------------------------------|----------------------------------|
| اصل اول - درد کرسخ و رانی کاشان | اصل دوم - درد کرسخ و رانی اصفهان |
| اصل سوم - « « قم و بواحی آن     | اصل چهارم - « « ساوه و بواحی آن  |
| اصل پنجم - « « قزوین            | اصل ششم - « « گیلان              |
| اصل هفتم - « « سریر و آذربایجان | اصل هشتم - « « یرد و کرمان       |
| اصل نهم - « « شیراز             | اصل دهم - « « همدان و بواحی آن   |

در اینجا در ردیف سد «لاحقه» شعرای زیر آورده است

لاحقه اول - شعرای بغداد لاحقه دوم - شعرای حران دقان لاحقه سوم - شعرای

حوا سار

اصل یازدهم - درد کرسخ و رانی و استر آباد اصل دوازدهم - درد کرسخ و رانی

حراسان

خاتمه دوم<sup>۲</sup> که در نسخه ثانی این تذکره آمده است آنها اصحاب اسعار شصت

۱ - رک اته نسخه ش ۶۶۷ و برلن ش ۶۴۷ الف - در نسخه اشپرنگر شعرای اصفهان

بحدت دو اصل (دوم و سوم) و شعرای ری و استر آباد و مصافات آن، تحت اصل دوازدهم و شعرای حراسان تحت اصل سیزدهم آمده است

۲ - رک نسخه نلاند و اشپرنگر

شاعر معاصر را (بدون شرح حال آنها) دارد که قبلاً از نظر مؤلف افتاده بود و وی از دیوان ایشان اطلاع نداشت. مؤلف علت افروندن این حاتمه دوم را حسین توصیح داده است که بعد از تکمیل تدکیره بعضی شعرای مؤلف احاره دادند که وی دیوانشان را مطالعه کند مخصوصاً شعرایی که در همان اوان شعر گوئی را آغاز کرده بودند چون تعداد زیادی از نسخه‌ها از روی این تدکیره در عراق و حراسان استساخ شده بود و دیگر ممکن بود که این اسعار و مطالب را آنجا اضافه نماید. برای این مؤلف محبور شد (در این نسخه ثانی) يك حاتمه دیگر را با فرایند اسامی شعر را را ترتیب الفبائی از روی حرف اول تحلیص یا اسم آنها آورده است.

اصل در نسخه برلن (س ۶۴۸ الف) بعد از «حاتمه» (اول) اصل دو آزد هم «در دکر شعرای حراسان» يك «اصل» دیگر آمده است که مشتملست بر شرح حال و نمونه اسعار ۱۶۲ شاعر ترتیب الفباء از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و «مولانا ابوالحسن ابیوردی» شروع شده با «میر ساهمیر متحلص به یمین» تمام میشود و در این قسمت مؤلف شرح حال خود را بر دزدیل «تقی الدین محمد الحسیبی به دگری» در ردیف «د» آورده است.

دلیل<sup>۱</sup> در نسخه بلاند در پایان «حاتمه دوم» مؤلف يك «دیل» را اضافه کرده است. در این قسمت عقیده خود را درباره این کتاب اظهار نموده و مناسب اتمام این کتاب از خودش حیلی تعریف و تمجید نموده است. در آخر مؤلف میگوید که چون در اثر اضافه کردن دکر عده زیادی از شعرا این تدکیره حیلی صحیم گردیده و سیصد و پنجاه هزار بیت شد لذا وی محبور شد يك مجلد دیگر بر پیچ مجلد سابق اضافه کند و بالآخره این کتاب را در ۱۰۱۶ هـ م تمام رسانیده از کار تدکیره نگاری دست کشید و از آن بعد دکر و اشعار هیچ شاعری را باین تدکیره بیافزود.

۱- در يك نسخه از بلاند ویرایشگر میگوید که يك دلیل مختصری شامل شرح حال شعرا و بدون اشعارشان در نسخه کتابخانه موقتی مجلد لکهنه (هند) موجود بود و يك اشپزنگرش ۹۰۸

در همین قسمت مؤلف تذکره داده است که تالیف این کتاب نه سی سال

طول کشید

در نسخ رنو دیل ش ۱۰۵ و برلن س ۶۴۷ و آته س ۶۶۷ و لندریا س ۳۱۲ (سخه بلاند) در ابتدا مدح شاه طهماسب صوفی آمده است مؤلف این نسخه‌ها را جمعاً قبل از ۹۸۴ هـ نوشته است در نسخه ریوش ۱۰۵ مؤلف بعداً این تذکره را نام شاه عباس عنوان کرده و در پایان این نسخه میگوید که این تذکره را در اوایل ۹۹۶ هـ با تمام رسانیده است. اما در نسخه بلاند رکن دوم نام شاه عباس صوفی شروع میشود ولی در ابتدای این نسخه اسمی از شاه طهماسب یا شاه عباس صوفی نبرده نشده بلکه بجای آن مؤلف این تذکره را در ۱۰۱۶ هـ نام ابراهیم عادل شاه نامی سلطان بیجار پور (۹۸۸-۱۰۳۷ هـ) عنوان کرده است

شرح حال و نمونه اسعار اکثر شعرا در این تذکره خیلی مفصل آمده است و حتی در مورد بسیاری از شعرا مؤلف از آنها بیش از یک هزار شعر نقل کرده است مانند عصری (۲۰۰۰) انیرالدین احسیکی (۲۳۰۰) رکن الدین هروی (۱۱۰۰) و حامی (۳۳۰۰) و حواحه فضل الله فارسی (۱۳۰۰) و بهاء الدین برندق (۳۰۰۰) و عصمت بخاری (۱۵۰۰) و اسرفی سمرقندی (۲۰۰۰) و صیاء الدین حمدی (۱۳۰۰) و کاتبی بینا بوری (۲۷۰۰) و مولانا لطف الله سیرازی (۱۱۰۰) و مولانا حیرت بی (۲۳۰۰) و رستم سظامی (۱۳۰۰) و غزالی مشهدی (۲۰۰۰) و میرحاج اسی (۱۳۰۰) و بابا فغانی (۱۶۰۰) و مولانا سائی (۱۷۰۰) و امیر خسرو (۲۳۰۰) و سعدالدین هروی (۱۲۰۰) و حکیم براری قهستانی (۳۵۰۰) و ابوالفرح رونی (۱۵۰۰) و عبیدراکاسی (۱۲۰۰)<sup>۱</sup>

از حیث عده اسعار منتخب هیچ تذکره دیگری غیر از «تجانبه» (رجوع شود به

خلاصه الشعرا) اسعار شعرا را نداشته این تذکره مفصل بیاورده است

اما برعکس اسباب اسعار شرح حال اکثر شعرا را سه مختصر آورده است و غالباً در دیل شرح حال شعرا بحث‌ها و حکایات مفصل درباره عشق آنها و دیگران آورده

است مثلاً در ردیل معری شرح ردگی وی را در نیم صفحه اما بعد در ناره عشق محمود و ایاز  
و غیره را در ۳ صفحه آورده است یا در ردیل انیرالدین احسیکتی شرح حال او را  
در نیم صفحه اما بحث عشق را با نقل اشعار دیگران در ۳ صفحه آورده است<sup>۱</sup>

در ردیل شرح حال شعر الشعاری اردیگران گاهی مفصل نقل کرده است مثلاً در ردیل  
عصری اشعار شیخ تهاب الدین سهروردی و عمر العصاه همدانی و شیخ محمد انیری بغدادی  
و شیخ زور بهان نقل کرده یا در ردیل نام انیرالدین احسیکتی اشعار نجم الدین کسری و شاه  
صغی و حبیب الله شریعی و مولانا ازرقی و شیخ ابوسعید بر عس و مولوی را آورده است  
در ردیل نام شعرای بررگه و معروف اشعاری از قصاید و غزلیات و قطعات آنان تحت  
عنوانهای جدا انتخاب نموده است

گاهی اشعار شعر از شرح داده است، چنانکه در ردیل انیرالدین احسیکتی فصیده ای  
را از ابی در توحید خدا شرح داده است

در ردیل نام بعضی شعرای معروفه از آثارش آنان نیز نقل کرده است چنانکه در ردیل عبید  
را کاتبی در پایان اشعار او کتاب او نام «احلاق الاشراف» را نقل کرده است  
دیوان عبیدریادی از شعرار امثال بحشم خود دیده و اشعار آنان را آنجا انتخاب  
کرده است.

در مورد شعرای معاصر اطلاعاتی که مؤلف در ناره شعر ارسا پنده است خیلی مهم  
و نا ارزش می باشد مخصوصاً بعلت اینکه مؤلف نا اکثر آنان شخصاً ملاقات کرده و بنا بسیاری  
از آنان روابط نزدیک و دوستانه ای داشته است چنانکه از شرح حال آنان پیدا است و تعداد  
زیادی از این شعرادر هیچ تذکره دیگری نکرده است.

مؤلف کوز کوزانه را ما حد خود نقل کرده است که در موقع نقل و اقتباس مطالب  
دقت لازم را بعمل آورده است و حتی گاهی بر بعضی کسب دیگر اقتضاد کرده است - مثلاً  
کن چهارم در ردیل نام مدرسائی قروی می نویسد «ما امیردو نلساه در کتاب سپویه که  
سه سه مسرت تذکره اشعار آورده که «.....» و سپه سه سه نلساه صاحب تذکره

همانا اصلی ندارد، چنانکه در سطور فوق گذشت مؤلف در دیباچه (در ۳۳ صفحه) در باره عشق بحث نموده است و سپس در ذیل بسیاری از شعرا بحث های مفصل در باره عشق و محبت و اشعار شعرای دیگر را آورده است که غالباً بعلت نامربوط و خارج از موضوع بودن این بحث ها از لطف مطالب میگذرد.

سبک اشای مؤلف غالباً ساده است و گاهی مؤلف شش مصوع و حتی شش مسجع را بکار برده است اما شرا و در هیچ حادرحین موارد بی مره و حالی از لطف نیست و ناو خود این تصع شش او غالباً شیرین و روان میباشند. مؤلف در مقدمه کتاب و در موقع تعریف شعرا شش مصنوع نوشته است

در ذیل بعضی شعر اچند لقب تعریفی قبل و بعد از اسم و تحلیص آن آورده است مانند «ملك الامر والسعر ابو القاسم حسن حکیم عصری مقدم سخن سرایان گلستان فصاحت و مکر مصیر فیان حواهر بلاعت و براعت» یا «عمدة السعرا مولانا سائی فدوه فصلا و مهندسان زمان و مرجع شعرا و معماران دوران بوده» یا «استاد الشعرا ابو لمرح رومی معتدای صنایع شعرای جهان و پیدوای اکابر و افاضل جهان بوده»

سالها را بریان عربی ذکر نموده است

گاهی احادیث رسول و آیات قرآن و صرف المثلها و اقوال بزرگان را عربی آورده است مثلاً (در مقدمه) (ان اله خلق الانسان علی صورته - کتب کرام مجتبا فاحسب ان اعرف فحلم الخلق لا اعرف - لی مع الله و قبل لا یسعی فیہ ملک معرب و لانی مرسل - انامدینه العلم و علی بابها - (فصل اول) من عرف نفسه فعرف ربه - لا تنظر الی من قال و انظر الی ما قال - المحار فطره الخویفة و عبره

همچنین در موقع تعریف از ممدوح خود بعضی جمله ها را عربی نوشته است مانند

الذی نصبر اذق الامن و الامان ... (رخوع سودنه مقدمه در ذیل تعریف شاه ظهاس صغوی)

مؤلف «صحف ابراهیم» در ذیل نبی محمد کاسا نبی ذکر کرده است «میویسد»

«مؤلف تذکره موسوم بختلاصه الاسعار و ربدده الافکار است و آن کتابست در کمال

صحاح که از روی تحمیں يك لك و پنجاه هزار (یکصد و پنجاه هزار) بیت بطمأنثرأ  
 خواهد بود در ضمن تعیین احوال شعر اسر رشته سخن را در آن کشید با مرادفات و احادیث  
 و احوال مسایح صوفیه اقسام موعظه و نصایح برداخته و مذکور احوال کسانی که از عشق  
 ورزان و شیفته جمال جوان بوده اند الترام لازم گرفته در شیوه استحباب مساطب را  
 از حد برده چنانکه قصاید اکثر موروان را با وصف سمد که به بودن اشعار آن از آغاز  
 تا بحام سلك تحریر کشید ۲۰۰۰

### نسخ خطی

- ۱- اتپرنگر ش ۸ و ۹ (که خلاصه نسخه اصل است با فهرست اسامی شعرا) و س ۳۲۲ (= بران س ۱۶۴۷ الف)
- ۲- بلوشه ح ۳ ش ۱۲۴۲ (مشمول برد کر عمیق و سوری و زید و طواط و فلکی و عمادی از کس اول (مورخ او احر قرن ۱۶ م) ۳ -
- نابکی نورح ۸ ص ۶۸۴ (تبا محلد ۴ - رکن سوم بعد از تحدید نظر مؤلف، مورخ قرن ۱۶ تا اوایل قرن ۱۷ م) ۴ - اته س ۶۶۷ (خلاصه نسخه اصلی بدون اشعار و رکن چهارم) و ۶۶ (تبا حاتم با اسعار، مورخ ۹۹۳ ه)
- ۵ - دارن (Dorn) س ۳۲۱ (تنهار کن سوم، مورخ ۹۳۳ ه با فهرست ۴۰ شاعر)
- ۷- ریو دیل س ۱۰۵ (ماقص الاحر - تبا قسم با نندائی و محلد يك دارد با فهرست ۲۲ شاعر، مورخ قرن ۱۶ م) ۷- مجلس ش ۱۹۳۵<sup>۱</sup> از کتب اهدائی شاهراده مجید فیروز (تار کن چهارم در ۴۹۱ برگ، مورخ رحب ۱۰۰۷ ه) - س ۳۳۴ - ب (مشمول برد کر ۲۱۰ شاعر در هفت اصل «حاتم» مورخ ۲۳ رحب ۱۰۱۳ ه) و س ۹۸۲ از کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (بخط مؤلف در ۵۱۷ ص کوحک - مشتمل بر خلاصه د کرو نمونه اسعار بعضی شعرا از اصل اول و دوم و سوم و پنجم و لاجمه مورخ ۱۴ حمادی الاحری

۱- از یادداستی که در این نسخه بعد از فهرست تذکره آمده است معلوم میشود که این نسخه ما چهار محلد دیگر این تذکره در ۲۲ ربیع الثانی سنه ۱۲۶۱ ه داخل کتابخانه فرهاد میرزا شده است اما حیف که آن چهار محلد دیگر امروز از بین رفته و از وجود آنها در هیچ جای ایران اطلاعی نداریم

۱۱۱۱ هـ) ۸ - لندریانا ص ۲۲۳ س ۳۱۲ (نسخه خلاصه نشده بدون رکن چهارم مورخ ۹- ۱۰۳۸ هـ - نسخه بلاند) ۹ - برلن ش ۶۴۷ (نسخه خلاصه شده مورخ قرن ۱۹ م) و ۶۴۷ الف (تسپا حاتمه و حاتمه دوم و دیل مورخ قرن ۱۹ تا فهرست ۱۶۲ شاعر در «اصل» بعد از حاتمه اول) ۱۰ - ایوانو - دیل نابی - ش ۹۳۲ (فسمی از مجلد چهارم - رکن سوم مشتمل بر دگر شعرائی که در اشپیر بگردیدیل شماره های ۱۶ - ۱۰۹ آمده اند، مورخ حدود ۱۸۷۲ م = ۱۲۹۰ هـ)

۱۱ - دانشکده ادبیات تهران - س ۱۰۴ - ب (نسخه اصل مؤلف است که قسمی از آن بحظ مؤلف است مشتمل بر دگر ۴۷ شاعر و نمونه اشعارشان نسخه ناتمامی است مورخ قرن ۱۰ هـ و ش ۵۹<sup>۱</sup> (نسخه ۱ ناقص است از حاتمه و مشتمل بر دگر احوال و نمونه اشعار ۲۱۲ شاعر از اصل اول و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم - این نسخه از مقدمه ناقص الاول و اشعار فصدده محسب کاسی شروع میشود مورخ قرن ۱۱ هـ) (۱۲) کتابخانه ملی تهران (سیار ناقص و ناتمام)

برای شرح حال، مؤلف رجوع سوده به «اصل» بعد از حاتمه (اول) در نسخه برلن ش ۶۴۷ الف در دیل «دگری» و ریوح ۲ ص ۶۶۵ و صحف ابراهیم در دیل نابی الدین محمد کاسابی دگری تحلیص و بلاند J. H. A. S. ح ۹ (۱۸۴۸ م) ص ۲-۱۳۱ فهرست اسامی شعرا - رجوع سوده به اشپیر بگرس ۹ (نسخه نابی) و اته ش ۶۶۲ (نقیه اسامی شعرا که از فهرست اشپیر بگرس افتاده است)

### خلاصه الشعرا ( وبتخانه )

ابتدا - الله سبحانه تعالی و تعذس و عنده معاتبع (العیب لایعلمها الا هو  
عالیه)<sup>۲</sup>

۱ - این نسخه در پاریس در دست مرحوم عباس اقبال بوده و علامه قزوینی نیز آن را دیده و یادداشت‌هایی بحظ خود بر آن نوشته است برای فهرست اسامی شعرا این نسخه در محله دانشکده ادبیات تهران سال ۸ ش ۱ مورخ مهر ماه ۱۳۳۹ ص ۲۱۹ - ۲۲۳  
۲ - عبارت در قوسین در نسخه مجلس بیاعده و نیز بعد از این عبارت در آن نسخه بجای «خرانه» «کلمه» «حر این» آمده است



حرا به دانش نقضه قدرت کامله و سرپنجه تقدیر شامله اوست و در این بی‌منهای سخن و دیعه درح حیا اسان به حص حکمت نالقه و عین رحم و اسعه او» .  
 این کتاب اصلاً تألیف دو نفر است اول مولانا محمد ماریندرای<sup>۱</sup> عبداللطیف در ۱۰۱۰ هـ مجموعه‌ای بنام «متحانه» ترتیب داد مستمل بر چهل و پنج هزار بیت و سپس عباسی گجراتی در ۱۰۲۱ هـ شرح حال شعرا را بنام اصافه نموده آنرا بصورت تذکره‌ای در آورد

با بر این شرح حال هر دو مؤلف اینجا مسطور می‌گردد  
**شرح حال مولانا صوفی**

مولانا محمد صوفی<sup>۲</sup> ماریندرای متخلص صوفی (و محمد<sup>۳</sup>) و معروف به ملا صوفی در آمل متولد شد در ایام جوانی سوق سیاحت در دلش افتاد چون عراق (عجم) رفت آنجا با اصحاب تصوف آمیزش و احتیلاط پیدا کرد و بی‌سالك وادی عرفان و تصوف گسب و بریاض و تهذیب نفس برداشت و هم‌حس شعر گوئی را آغاز نمود و بعلت ذوق عرفان شعر عارفانه و صوفیانه میسرود . بهر شهری که میرفت عده‌ای صوفی مذهب و قلندر مشرب روبرو جمع می‌شدند و از صحبت وی کسب فیض مینمودند اما چون خیلی آرزویش بود عده‌ای بر حالش سوس می‌گفتند و بنا بر این بعد از سیاحت

۱- عقیده آتمیر را حسن بیگ خاکی بر در ترتیب «متحانه» با ملا صوفی ماریندرای همکاری داشته است (رک نادلین ص ۳۶۶) اما این صحیح نیست چون در مقدمه «خلاصه الشعراء» بصراحت آمده است که ملا صوفی ماریندرای «متحانه» را «بحس خواهش و توحه قدر دان اهل معنی» میرزا حسن بیگ خاکی، ترتیب داده است

۲- به عقیده اشپرنگر و عبدالمقتدر گرد آورنده فهرست نامکی پور تحلیص ملا صوفی «محمد» بوده چنانکه آنها در دیوان وی دیده‌اند اما تذکره بوسان وی را در ردیم «ص» در ذیل تحلیص «صوفی» آورده‌اند بنام سایر روایت مولف «محمد ابراهیم» می‌نویسد که ملا صوفی «محمد و صوفی» هر دو تحلیص داشته است

۳- عبدالمقتدر میگوید که تذکره بوسان چندین شاعر را با تحلیص «صوفی» و سنیهای مختلف مانند ماریندرای و شیرازی و کرمانی و اردستانی و همدانی و آملی و اصعبانی و کاشغری ذکر نموده‌اند اما بعضی از آنها همان محمد صوفی ماریندرای را مکرر با سنیهای مختلفی آورده‌اند چون اشعاری که در ذیل این شعر نقل کرده اند اشعار است که در دیوان ملا صوفی ماریندرای (سخنه کتابخانه نامکی پور) موجود است

بلاد آذربایجان و عراق (عجم) ملا بفارس رفت و مدتی مدید در سیراز اقامت نمود .  
عالم مردم آنجا اصحاب سیر و سلوک بودند و لذا اروی پذیرائی گرمی بعمل آوردند و  
ملا اکثر اوقات خود را در مدارس آنجا بین مریدان و معنفدان خود سر میبرد

آب و هوای سرزمین فارس در تربیت دوق و شعر در او کمک سرائی نمود اما  
دیری پبائید که او را «طرفه حالی دسداد» که در میان علما و فضلا سوءاعتقاد و رندفه  
و روش الحاد متهم گشت و سایر این محصور شد تا دیگران طاهرأ ترك تعلق و محالطت  
نمایند چون هر کس که با وی رفت و آمد داشت با وجود اختلاف عقیده نکفر و رندفه  
متهم میگشت و اغلب اس بدنامی و خوف محاربات از طرف پادشاه ملانمتوانست بدست بیشتری  
در شیراز بماند و آنجا را ترك گفته سیاحت بلاد دیگر برداشت

مؤلف بد کوه «لطایف الحیال» میگوید که ملا صوفی مدتی در کاروان اقامت  
داشت و بصحبت شیخ المحققین ابوالقاسم مسرف شده و در مدح وی قصیده ای بر دیف  
«سحن» سرود و سیح مر نور در جواب آن قصیده ای در مدح ملا سرود

بالاخره در اوایل سلطنت شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶ - ۱۰۳۸ هـ) و در زمان  
اکبر شاه (۹۶۲ - ۱۰۱۴ هـ) ملا متوجه هندوستان شد و مدتی در احمدآباد گجرات  
سکونت داشت

تقی اوحدی مؤلف «عرفات» میگوید که ملا «همیشه اوقات خود را با انتخاب شعرو  
فرائض و سیر و نبرد و کمانداری و کتاب میگذراند و اینکه وی مکرر بخدمت ملادر  
گجرات میرسید ملا بلناس فر و روش اهل سلوک بوده و هیچ سایه عرور و بحوت  
نداشت

مؤلف «مآثر الامراء» در دیل میر سید حلال صدر منحلص برصائی بحازی که از  
اعظم آن عهد و ساکن احمدآباد بوده و در زمان شاه جهان پادشاه هند منصب سپهرازی و  
در ۱۰۵۲ هـ صدر دهللی یافته (صوفی ۱۰۵۷ هـ) مینوسد که ملا محمد صوفی مار بدرانی

در جوانی از ایران آمده اکثر ممالک هندوستان را بخدمت سیر و سیاحت پیموده در احمد - آباد رنگ سکو سر ریخت (اقامت گرید) و میر (سید حلال صدر) تعلق خاطر بهم رسانیده تعلیم او می نمود . سیف حان صوبه دار (استاندار) گجرات اعتقادی با ملاملا داشت<sup>۱</sup> در زمان اقامت ملام صوفی در گجرات میر را عاری تر حان<sup>۲</sup> متخلص به وقاری (متوفی ۱۰۲۱ هـ) که از طرف حاکم بنگیر شاه حاکم تته و قندهار بود ملا را از گجرات بقندهار دعوت کرد و وی بعد کرس و دوری راه از قبول دعوت حان ادب پرور سر بار زد و

حوا

ان عریزاً ز روزگار سارگار استماع احلاق و اطوار و اوصاع ایستان  
تحم محبت در دل محمد (ملا محمد صوفی) کشته بود و رسیدن نامه گرامی چون آفتاب  
دخمل و باران بمحل آنرا بکمال رسانید که و ن سوق دیدار عالیست و لیکر مسافت بعد  
از سیر با ملاملا با توانی فرو گرفته .

ملا صوفی (در حدود ۱۰۲۲ هـ) با حمیر زلف و مؤلف « میخانه » او را آنجا ملاقات کرده و صحبت تأییر علم و احلاق وی قرار گرفت چنانکه در تذکره خود از علم و احلاق وی بسیار تعریف نموده است مؤلف « میخانه » میگوید که میر صوفی بزی گفت که او بزرده سائل در مکه معظمه توطن نموده و در آن ایام هر سال یکبار در زیارت مدینه میرف و بعد از زیارت رسول بدمکه معاودت می کرد و اینکه کمتر حائثی در دنیا مانده کدهوی آنجا را ندیده باشد وی گجرات را وطن خود قرار داده و گاهی بقصد گردش و سیاحت با طرف او کساف آن شهرستان میرفت و بقول خودس با حمیر مخصوصاً برای زیارت قطب المحققین حواحه معین الدین چشتی مسافرت کرد

۱- ر ك مآثر الامرا ح ۳ ص ۴۴۷-۴۵۱

۲- برای شرح حال او رجوع شود به تورك جهانگیری ص ۱۱۰ و میخانه ص ۴-۲۹۰

۳- ر ك بیاض شماره ۲۳۷ مجلس شورای ملی تهران ص ۲۰۳ مورخ ۱۰۵۹ هـ بحضرت محمد

صالح برادرزاده اسکندر بیک مشی مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی که در « میخانه » که با اعتماد آقای گلچین معانی چاپ شده است (در حاشیه ص ۴۷۸) نیز ذکر شده است

در همان اثناء جهانگیر شاه بالشرک خود با حمیر آمد و برای مدت دست کم سه سال  
 ۵ شوال ۱۰۲۲ تا اول ذوالعده ۱۰۲۵ هـ) در آن شهر اقامت نمود ملاهی حکدام اراعیان  
 شاه را مطابق ذوق خود دید ولی در نتیجه اصرار و اشتیاق بر درگی اهلی برای مدتی  
 زلوی رفت اما آنجا کمر شکست و نارمیسد و کمتر نگفت و سید میپرداخت و  
 خره بکلبه در ویسی خود بر گسب و چون در آن شهر عده مریدان و طالبان وی بسیار  
 با ماعتصای طبیعت خلوت پسند خود تصمیم گرفت آن شهر را ترک گفته بگجرات  
 و دت نماید

در موقع تألیف عرفات دو سال بود تهی او حدی از خدمت ملاصوفی جدا شده بود.  
 در عرفات مینویسد که در اول سن صوفی و نظیری دوسی بر دیگی و خود داسب و  
 می آنها بماطره و مباحثه میپرداختند اما در آخر ملاصوفی از نظیری رنجیده شد.  
 ظاهراً علت رنجش ملا این بیت کما سب آمیر نظیر یسب که ضمن عربی در باره  
 گفته است<sup>۱</sup>.

یش برون چه کنی پسم گوسمد      گرگی که در دروسب ترا گوسمد کن  
 بنا بر این موقعیکه نظیری برای آخرین بار مر یسب ملاصوفی برای عیادت  
 رفت اما چون نظیری فوت کرد بر خار ه وی حاضر شد

تقی او حدی ملاصوفی را در باره در ۱۰۲۵ هـ در گجرات ملاقات کرد  
 روایت مؤلف «مآثر الامراء» جهانگیر ملا را بسبب خود احوال نمود و سیف جان  
 مدار گجرات که با ملا علاقه و ارادت فراوانی داشت با چار ملا را بخدمت پادشاه فرستاد  
 ملاصوفی در راه (در سر هند) فوت کرد<sup>۲</sup> و در آن حال این رباعی سرود

۱ - این بیت در میخانه ص ۷۹۷ و کلیات نظیری مطبوعه لکهنو ۱۸۷۴ م، ص ۲۴۹ آمده است

۲ - در تذکره الشرایعی (ص ۱۲۲) آمده است که ملا محمد صوفی مارید را بی (مترقی  
 ۱۰ هـ) با او حیان و ملا حسن پردی بهند آمد و در کشمیر توطن گریب و بخواهش جهانگیر  
 ملی رفت و در سر هند فوت کرد صاحب تذکره آتشکده لقمش را تا خلاص داشته او را  
 هابی خوانده . . . . ادا توطن ملا در کشمیر و رفتن وی بدلی بخواهش جهانگیر  
 ق و مسلم نیست

ای شاه سه تحت و نه گن میماند      از بهر تو يك دو گر رمین میماند  
صدوق حدود و کابه درویشان را      حالی کن و پر کن که همین میماند  
چون بادشاه سید سیارمتاً بر و ملول گشت

هؤلف « صحف ابراهیم » سال فوت ملاصوفی را ۱۰۳۲ هـ و خوشگوش ۱۰۳۵ هـ  
نوشته است و روایت احیرالد کراصح است چنانکه این مصرع ماده تاریخ فوت ملا را  
میرساند

مجردانه یکی شد بحق محمد صوفی ( = ۱۰۳۵ هـ )

### آثار ملاصوفی

آثار ملاصوفی بدین فرار است

- ۱ - بحانه - مجموعه اشعار مسحت از قدما بقول عبداللطیف گجراتی چهل و  
سیح هزار بیت و روایت مؤلف میخانه (ص ۴۷۸) نصاب هزار بیت دارد - برای نسخه رجوع  
سود به نادلین ص ۳۶۶
- ۲ - دیوان اشعار - بقول مؤلف میخانه (ص ۴۷۹) « هزار بیت و کسری  
دارد » برای نسخ خطی آن رجوع سود به بانک یور ح ۲ ص ۳۰۱ و هامبورگ ح ۴ ش ۱۹۱ و  
مونیخ ص ۱۸ (۶) و اسپرنگر ص ۳۸۲
- ۳ - ساقی نامه - برای نسخ آن رجوع شود به بانک یورج ص ۳ ص ۶۲ و ح ۹ ص ۱۳۹ و  
برلن ش ۱۸ ح ۲ و ۱۰ الف و هامبورگ ش ۱۹۱ (۴) و مونیخ ۱۸ (۳) و اسپرنگر ۱۸۲ - این  
ساقی نامه در میخانه ص ۴۷۹-۴۹۱ و ابس العشاق شیخ احمد سندیلوی و سنیبه ای خطی  
متعلق با آقای فرح حراسانی ( که آقای گلچین در تصحیح و تکمیل ساقی نامه ملاصوفی  
در میخانه از آن استفاده نموده است ) آمده است
- ۴ - اشعار متفرقه - که در دیوان وی نیست - سه هزار بیت - ( رجوع شود  
به میخانه ص ۴۷۹ )

### شرح حال عبداللطیف

ما حدی که در دست داریم اطلاعات زیادی درباره وقایع زندگی عبداللطیف

جراتی نمیرساند و حتی اطلاعاتی در باره سال تولد و آموزش و تعلیم و اوصاف دیگر اوایل زندگی او در دست نیست

عبداللطیف عباسی گجراتی در گجرات متولد شد محمد صالح کسوه مؤلف «عمل صالح» اورا اهل گجرات نوشته و عبدالحمید لاهوری مؤلف «پادشاه نامه» بیر قول اورا تأیید نموده است عبداللطیف در مقدمه خلاصه الشعرا وطن خود را احمدآباد نوشته است و اینکه در ۱۰۱۰ هـ و قتی که مولانا محمد صوفی مارندرائی بر تیب «بتحانه» را با تمام رسانید وی در احمدآباد بود

عبداللطیف مدتی در خدمت لشکر حاکم مسپدی بوده است و این کتاب را بر نام عنوان کرده است

لشکر خان در رهان جهانگیر ساه دیوان کابل و در رهان شاه جهان ساه صوبه دار (اسا بازار) کابل بود

عبداللطیف وقایع نگار لشکر خان بود و حدیث نامه نام خانجان و آصف خان و مهانتخان و دیگران از طرف لشکر خان بوسه است<sup>۱</sup> طبق توضیحی که عبداللطیف در مقدمه خلاصه الشعرا داده است لشکر خان او را «حبیب تعصبی» محاسبات دیوانی کل صوبه (استان) ننگال و اودیسه تنها گذاشته خود در نار جهانگیر ساه سندوسپس بعد از مدتی عبداللطیف بیرهسپار دار الخلافه آگره سده و در راه فرصتی بدست آورده در کابل تدوین این کتاب توفیق حاصل نمود

مؤلف «نار ساه نامه» بنویسد که عبداللطیف در ۸ جمادی الاول ۱۰۴۲ هـ وارد خدمت شاهی سندو در سال پنجم جلوس ساه حیران (= ۱۰۴۲ هـ) مسمد دیوانی بن (وزارت مواج) بجای رامنی داس منصوب گشت و در ۱۰ شعبان ۱۰۴۵ هـ ساه جهان او را بر دحا کم گولکنده اعزام نمود باید بوجه داس که سلاطین گولکنده همیشه با ساه جهان مساسات خوبی داشتند و مخصوصاً در نامی که وی علیه پدر خود در دست طعیان زده بود بوی کمک کردند و موقعی که ساه جهان برای فروش سورش حار، جهان لودی

۱ - مجموعه ای نا در این نامه ها در انجمن آسیائی ننگال دحیره کردن (ش ۳۶۴) موجود است و مجموعه دیگر از این نامه ها در کتابخانه شرقی تیبو سلطان میسور هم موجود بود (رک ش ۱۴ فهرست کتابخانه تیبو سلطان)

به درگزر و عبداللہ قطب الملک معروف به قطب شاہ (۱۰۳۵-۱۰۸۳ھ) حاکم گولکنده  
برای شاه جهان هدایائی فرستاد و همچنین وقتی مها سحان (فرمانده لشکر شاه جهان  
بر سلطان بیجاپور حمله کرد سلطان گولکنده از کمک و پشتیبانی سلطان بیجاپور خود-  
داری نمود

معدنک دو اشکال مهم در راه دوستی بین شاه جهان و سلطان گولکنده وجود داشت  
یکی آنکه ساه جهان سی متعصبی بود در صورتیکه سلطان گولکنده مذهب شیعی داشت  
و با بیا آنکه قطب شاه سلطان گولکنده بجای پادشاه هندوستان پادشاه ایران را شاه خود  
میشاخص

بنا بر اادات فوقی شاه جهان عبداللطیف را با فرمان خود حبس ابطال و لغو رسوم  
شیعی در گولکنده تا آن سهر اعرام بود و ببرد این فرمان تا کید نمود که اسم ساه ایران  
را از خطبه جمع حراج کند<sup>۱</sup> موقعیکه عبداللطیف بگولکنده رسید قطب شاخصاً  
برای اسمسال اوج کوس<sup>۲</sup> بیرون شهر رفت و او را با احترام تمام سهر همراه خود  
بر دو طبق فرمان پادشاه حکم صادر نمود که خطبه جمع را بجای شاه ایران نام شاه جهان  
پادشاه هند خوانند و همچنین سکه ها نام ساه جهان رده و نمونه های آن را ببرد

قطب شاه به تمها اسامی حلقای از بعد از اسمل خطبه کرد بلکه بر موافقت نمود که  
سالیانه مبلغ هنگفتی بعنوان حراج ساهن ساه دهلی بپردازد ساهاً پادشاه دهلی، الاطین  
گولکنده را محور قبول چنین شرایط سختی نکرده بود اما چون قطب شاه آدم مطمع  
و ضعیف البسی بود بنا بر این او را ازار قبول چنین مقیدات نمودند<sup>۳</sup>

بنا بر اتمام مأموریت فوق عبداللطیف در اول صفر ۱۰۲۶ھ به دار السلطنت آگره

۱- رک امپراطوری مغول (انگلیسی) تالیف سر ریواستوا ص ۱۲۹

۲- کوس (KOS) مقدار مسامت است و معنی گروه که نلث فرسخ است (آندراج)

۳- رک پادشاه نامه ص ۱ فصل ۲ ص ۱۴۵ و مستحب اللباب ص ۱ ص ۵۲۳

۴- رک تاریخ شاه جهان دهلی (انگلیسی) تالیف پ- پ- سکسینا

مراجعه نمود و چهل لك<sup>۱</sup> بعدو مقدار زیادی از تحایف قیمی همراه خود آورد<sup>۲</sup> و در ارای این موقعیت شاهجهان عبداللطیف رالف عسیدت خان اعطا نمود<sup>۳</sup> و بمنصب یکپرار پیاده و چهارصد سوار منصوب کرد<sup>۴</sup> اما بعدت بیماری عبداللطیف قادر باحرای و طایف خود سود و پنا برای این در ۵ دوالعد ۱۰۴۷ هـ او را ارسمدیواسی تن معرول نموده این سمت را بحای او بدویات رای محول کردند<sup>۵</sup>

متأسفانه تاریخ دقیق وفات عبداللطیف معلوم نیست اما این قدر جنمی است که وی در سال ۱۲ سلطت شاهجهان (یعنی ۴۹-۱۰۴۸ هـ) فوت کرده است<sup>۶</sup>

### آثار عبداللطیف

عبداللطیف آثار بسیاری داشته است اما منها بعضی از آنها از دستخوس حوادث

رورگار بجا مانده است

مؤلف «عمل صالح» میویسد که عبداللطیف برای تألیف تاریخ سلطت شاهجهان

مورگشت اما در نتیجه حسادت رفا از آن مأموریت در کنار سد

بعضی از آثار عبداللطیف بهر ار در است

(۱) خلاصه السعرا ( بد کرده مورد بحث)

(۲) رقعات یا اساء عبداللطیف

(۳) شرح مشوی مولا نارومی (سروع در سال ۱۰۲۴ هـ و اتمام در ۱۰۳۸ هـ)

(۴) نسخه ناسخه مشویات سعیمه شامل شرح وصمایم مشوی مولا نارومی و شرح

۱ - یعنی چهار میلیون (يك لك = صد هزار)

۲ - ر.ك منتحب اللباب ح ۱ ص ۳

۳ - ر.ك پادشاه نامه ح ۳ ص ۱۲

۴ - عمل صالح ح ۱ ص ۴۳۸

۵ - پادشاه نامه ح ۲ ص ۹۲

۶ - حقیقت الحقیقت - مرتبه ح - استفس ( ر.ك ، فهرست مور در پنا پنا



اسعار مشکله مشنوی (آغار در ۱۰۳۶ هـ) سرح این کتاب در کتابخانه های اندیا آفس و دانشگاه کیریچ و بادلین و موره بریتانیا و ایسیاتک سوسائتی سگال (دخیره کرن) موجود است

(۵) لذایب اللغات یا فرهنگ لغات مشنوی رومی (تألیف بین ۱۰۳۲ و ۱۰۳۸ هـ) سرح این کتاب در کتابخانه های ایسیاتک سوسائتی سگال و موره بریتانیا و اندیا آفس و دانسکده اتی Fion و گلاسگو و باکی پور موجود است و در ۱۸۸۷ م در لکهنو (بولکنور) و در ۱۹۰۵ در کاپور (پنچ رسیده است)

(۶) لطایب المعوی من حقایق المشنوی در سرح مشنوی مولانا رومی که عبداللطیف در حدود ۱۰۳۷ هـ تألیف نموده است سرح خطی این کتاب در کتابخانه های ایسیاتک سوسائتی سگال و موره بریتانیا و دانشگاه بمبئی و بادلین موجود است و در کتابخانه شه وادیر موجود بود (رجوع سوید به اشپرنگر) در ۱۸۶۶ م در لکهنو و در ۱۸۷۶ م در کاپور (هند) (پنچ رسیده است)

(۷) مرآت المشنوی - سرح دیگر بر مشنوی مولانا رومی - برای سرح رجوع شود به اته س ۱۱۰۲

(۸) لطایف الحقایق من بغایس الدقایق - عبداللطیف تألیف این کتاب را در ۱۰۴۰ هـ آغاز و در ۱۰۴۱ هـ با همکاری مرعمادالدین محمودالی با تمام رسانید. این کتاب در شرح حال حدیقه سائی است و سائل سرح و متن مشنوی حدیقه می باشد سرح این کتاب در کتابخانه های اندیا آفس و دانشگاه ادسرگ و دانشگاه سحاب لاهور و دانشگاه علیگر و پوهار و باکی پور موجود است و بولکنور لکهنو آن را در ۱۸۸۶ م سحاب رسانیده است.

(۹) سرح حدیقه - این کتاب نیز در سرح حدیقه سائی است اما متن مشنوی را ندارد عبداللطیف آن را در ۱۰۴۴ هـ تألیف نموده است سرح آن در کتابخانه های اندیا آفس و بحمن آسیائی سگال (دخیره کرن) موجود است

## تبصره بر کتاب

عبدالمطیف این کتاب (خلاصه الشعراء) را در ۱۰۲۱ هـ تألیف نموده است چنانکه مصرع فرد «فهرست لطیف من عجیب است» که در مقدمه آمده است میرساند در مورد سب تألیف کتاب عبدالمطیف در مقدمه خلاصه الشعراء چنین توضیح میدهد که مولانا محمد صوفی بحواش میرزا حسن بیگک حاکمی وزیر مجموعه ای نام «بتخانه» ترتیب داد مشتمل بر چهل و پنج هزار بیت ارسوزش دیوان در سب و بود شاعر دیگر که صاحب دیوان بدولی دیوانسان بنظر او بر سیده و اشعارسان در مجموعه های دیگر سب شده بود و همجنس اشعار. برای دیگر که «صاحب دیوان بیسند و اشعار متفرقه شان در میا سب تیمنا ارجهار لک (یعنی چهار صد هزار) بیت برگزیده و در سه عشر و الف (۱۰۱۰ هـ) موافق سبع و اربع (۴۹) جلوس اگری حبا بیان را از جمع نمودن دواوین و سحر شعری بی بیار گردانید

ولی در آتوب التماثی باس نمود که عنوان کتاب را بدساحه شری دلپذیر مرین دارد. و اسامی شعرا این کتاب را هم حواء موافق تمذیم و تأخیر زمان و حواء مطابق رتبه و حال سخن ایشان تربیتی دهد و سبک فهرست آنها را بطمی بحسد که فی العور طالبان علم (و) سخن بروهی بی سحر و مستحب هر کس درند

(در هر حال سده) عبدالمطیف ابن عبدالله العنسی که از بار یافتگان کسار ساط آن عارف یقینی بود و خود را از زمره زیره حیان حوان آن نعمت بیدریع میسورد و در استکتاب و معا بله آن کتاب مستطاب بقدری (دحلی داس و در اصل تربیت این سحده در بلده طیبه احمد آباد گجرات که وطن محاری این اقل العباد صورت انعام بدیر فیه بر دمه حق گدازی و سپاس داری لازم داسب حد کلمه بر سیل یادگار نگاشته فلم سکسته زوم گرداند . . . تاهر کس بمطالعه این کتاب فایز گردد بداند که جامع این سحده کیسب و در چهوب و زمان ترتیب یافته و هر شاعری کی بوده و اسم

او کهجا نوشته شده و عمد و وحش که بوده است و تطویل این بررگان نام گمنام این  
کمترین نیز . . . مد کورالسبه و افواه از باب فضل و کمال گردد . . .

«سپس خاطر من رسید که احوال شعرائی که اسعارشان در این کتاب منسج شده  
بر سیل احوال نوشته شود تا خوانندگان آن از رجوع سد کرمهای سعرا نیز مستغنی  
گردند و سایر این محمل احوال شعرا حاوی اطلاعاتی راجع بر زمان وفات آنها و عهد  
سالطن که آنها در آن عصر زندگی میکردند و بعضی مطالب لازم دیگر دایحار و اختصار  
نویسد گرچه علت و سبب تألیف این امر همین دینا حد نتجانه بود ولی در ضمن نتع  
احوال سعرا جمعی دیگر از کابر گذرا حل نتجانه بیستند هم دطر آمد که تراک آنها  
مناسبت نداسته همه را محملاً «مواقف طبعات سعد فلکی» (یعنی در همس طبعه) نوشت و  
آن را موسوم بد خلاصة الشعرا صاحب و آنچه بدنه نتجانه سبب داس بر فوق این  
سجد نوشت»

در مورد ترتیب اسامی سعرا عبداللطیف در دیده حه حسین توصیح میدهد «اسامی  
سعرا ی این سجد را آنچه تاریخ و فاسان مسجص بظر در آمد موافق نتدیم و تأحیر  
زمان ایسان و آنچه تاریخ فوت آنها مسجص بیاف بتیاس تاریخ فوت معد و ح و معاصران  
آنها نوشت»

عبداللطیف در مقدمه کتاب اسامی کتابهای زیر را آورده است که در آن  
بر تألیف این تد کرم استعماده کرده است

- ۱ - تد کرم دولسااه سمرقندی
- ۲ - نهیس الماء بر علاء الدوله قروینی
- ۳ - تد کرم عوفی
- ۴ - منتجب التواریخ - میرزا حسن بیگ خاکی
- ۵ - روضه النعمه
- ۶ - حیات السیر
- ۷ - محمل خصیحی

۸ - تاریخ ابن حنکلی

۹ - تاریخ حهاگتشی عظاملك حوینی

۱۰ - تاریخ رشیدی - مرزا حیدر کنه میری گورکان

۱۱ - اکبرنامه ابوالفضل

۱۲ - تاریخ نظام الدین احمد بحتی (طبقات اکبری)

۱۳ - تاریخ فیروزشاهی (صیاء الدین برنی)

۱۴ - طبقات ناصری

۱۵ - تاریخ ساکنی

۱۶ - صفحات الاس

۱۷ - تاریخ حهاں آرا احمد عفری

۱۸ - تاریخ بیہمی

مؤلف میوید کہ غیر از کتب فوقوی از «حندین تد کره و تاریخ معسر»

دیگر بیر استغاده نموده اس

حهاں کہ عبداللطیف در مقدمه کتبان توصیح داده اس این کتبان را نام حواحه

ابوالحسن مسهدی المحاطب (ملف) به اسکر حهاں عنوان کرده اس

این تد کره مشمل اس بر دو حلد حلد اول آن با «ابوالفرح روی» شروع

سده با «بحیب حر نادقایی» تمام میسود و حلد دوم با «انتحاب دیوان عصری» شروع

سده با «رکی مراعه ای (نافص الاحر)» تمام میسود و مشمل اس بر مقدمه و شرح حال

شعرا و فهرست اسامی شعرا و اشعار مشحبت از دیوان ۳۶ شاعر ریر

۲ - حکیم اررفی

۱ - ابوالفرح روی

۴ - حهاں الدین عبدالرراوی

۳ - محیر الدین بیلعایی

- ۵ - کمال الدین اسمعیل  
 ۶ - رشید وطواط  
 ۷ - حسن اشرفی سمرقندی  
 ۸ - ابوالمجدد محدود سائی عربوی  
 ۹ - حسن عربوی  
 ۱۰ - مسعود معدن سلمان  
 ۱۱ - اوحد الدیر انوری  
 ۱۲ - ناصر حسرو اصفهانی  
 ۱۳ - افضل الدین حاقانی  
 ۱۴ - ادیب صابر  
 ۱۵ - رعی الدین بینانوری  
 ۱۶ - نجیب الدین حرنادفی  
 ۱۷ - حکیم عصری  
 ۱۸ - انیر اومانی  
 ۱۹ - امیر احسیکتی  
 ۲۰ - اوحدی مراعاتی اصفهانی  
 ۲۱ - امیر معری هروی  
 ۲۲ - سعدی سیرازی  
 ۲۳ - فخر الدین عراقی  
 ۲۴ - عمر حیات  
 ۲۵ - مجدالدین همگر سیرازی  
 ۲۶ - حلال عصد یردی  
 ۲۷ - عبدالواسع حلی  
 ۲۸ - عمادی سپریاری عربوی  
 ۲۹ - عثمان مختاری عربوی  
 ۳۰ - مطهر  
 ۳۱ - قاسم انوار  
 ۳۲ - مولانای روم بلخی  
 ۳۳ - فرید الدین عطار  
 ۳۴ - شیخ معربی تریری  
 ۳۵ - طبر فاریابی  
 ۳۶ - امیر حسرو دهلوی

سپس اشعاری از ۹۰ شاعر را تحت عنوان (عریب لری) آورده است که اول آنها

«بهاء الدین بغدادی» و آخرشان سیح ورمیان» می‌باشد. در باره آنها مؤلف حسب

توصیح میدهد که اگر چه بعضی از این اکار صاحب

دیوانشان نظر عارف الهی مولانا محمد (صوفی) فرسیده و اشعاری که در

تسبوت انتخاب شد اما از این شعرا اسعار مستحب از دیوان «عمادالدین شهریار»

رامؤلف به نام « عمادی شهرباری عربوی » در قسمت اول درذیل شماره ۲۸ آورده

سپس اشعار متعلق از قریب ۶۲ شاعر آورده است که اولسان رود کی و آخرشان  
رکی مراعه ای<sup>۱</sup> است .

اسم بعضی از این شعرا را مکرر آورده است چنانکه اشعار حواحه نصرالدین  
طوسی را اول درذیل شماره ۴۴ آورده است و سپس دوباره اشعار دیگر درذیل شماره ۵۹  
بعل کرده است همچنین اشعار عین العضاة را درذیل شماره های ۲۰ و ۶۲ بعل کرده

روپم گرفته این اندک که مشتمل است بر شرح حال ۶۷ شاعر و اشعار منتخب از  
قریب دصد و هشتاد و هفت (۱۸۸) شاعر<sup>۲</sup> .

مؤلف در ضمن شرح حال شعرا تاریخ وفات سلاطین و بعضی اولیاء و اکابر که  
اسمشان آنجا ذکر شده بیفزاید کرده است تا علاوه بر احوال شعرا تاریخ سلاطین و  
مسایح و ائمه زمان این شعرا نیز آشکار گردد .

شرح حال شعرا را مفصل آورده است

کمال الدین اسمعیل و رسید و طواط و سنائی و حسن عربوی و مسعود سعد بن  
سلمان و احد الدین ابوری و ناصر حسرو و حاقانی و ادیب صابر و اوحدی مراعه ای و  
معری هروی و سعدی شیرازی و فخرالدین عراقی و فاسم ابواز و مطهر ( از مداحان  
سلطان فیروز ساه ۷۵۲ - ۷۹۰ هـ ) و مولانا رومی بلخی و امیر حسرو دهلوی و روپم مرغه  
شرح حال سنائی ( در ۱۶ ص ) و ناصر حسرو و امیر حسرو ( هر کدام در ۲۶ ص ) را  
مفصل تر از سایرین آورده است .

۱ - نسخه مجلس ناقص الاحراست و آنجا اسم شاعر آخر رکی مراعه ای آمده است

۲ - در فهرست مادلین ش ۳۶۶ اسامی ۱۲۰ شاعر آمده است ( ص ۱۹۷ اله تا ۲۰۳ ب )  
که اول آنها ابوالصحر رومی و آخرشان شیخ مهستی است اما چون اسم بصیر طوسی در ذیل  
شماره های ۹۲ و ۱۰۷ و اسم مسعود بن سعد درذیل شماره های ۴ و ۱۱۱ مکرر آمده است  
بنابر این عده کل شعرا از روی نسخه پادلین ۱۱۸ میباشد .

همچنین اشعار منتخب اردیوان ۳۶ شاعر را که اسامی آنها در سطور فوق گذشت  
بیر حیلی معصل آورده است. اما در قسمت آخر کتاب اشعار شعرا را غالباً محضراً نقل  
کرده است.

مؤلف در دلیل نام ابوالفرح روی اصل ویرا از سیستان و مداح بوعلی سیمجور  
نوشته و میگوید که وی در زمان ابراهیم بن مسعود بن محمود در رحب ۴۹۲ هـ در گذشته  
است و از این جهت معلوم میسود که وی ابوالفرح روی را نا ابوالفرح سیستانی<sup>۱</sup>  
استهاده کرده است، در روایت تفسیری کتابی ابوالفرح روی در ۴۸۹ هـ و در روایت تاریخ  
نادر الرمائی (ص ۲۶۵ ش ۱۶۸) در ۴۸۲ هـ یکسال بعد از فوت ابراهیم بن مسعود بن  
محمود در گذشته است. همچنین سال وفات رودکی را بجای « ۳۲۹ هـ » سال ۴۰۷ هـ  
آورده است.

از جمله شعرای مد کور این تد که مؤلف نتوانده (ملا محمد صوفی) ادعا کرده  
است که در مظهر که اشعار منتخب اردیوان او و شرح حال وی در این تد که بطور  
معصل آمده است در هیچ تد که دیگری نیامده است.

دو مرتبه این تد که از حیث انتخاب اشعار دارای اهمیت بسیار میباشد مخصوصاً  
حون ملا صوفی که این اشعار را انتخاب نموده است دارای ذوق عالی بوده و هر چه  
انتخاب کرده است بعرض لطیف و آینه قرینحه طریفوی میباشد.

این تد که مسمل است در همه طبعه هر طبقه آن احوال و اشعار حدیث شاعر  
مشهور و اشعار منتخب و گاهی نادر آن را شامل است. شرح حال شعرا اگر چه غالباً  
حیلی محضراً است اما گاهی اطلاعات مفیدی را در ارضه بعضی از آنها میرساند که  
در هیچ تد که دیگری یافت نمیسود. مؤلف اکثر کتب حیلی معتبره و موثق را با حدود  
فرار داده و بقول حدودش نا حدیث تد که در تاریخ معسر تطبیق و تلمیح نموده و اختلاف  
روایات و احوالی آنان را بی در این تد که قید کرده؛ سو هم محضراً میگوید « در آنچه

لارمه تفتیش و تحقیق است دقیقه فرو گذاشت بگشته اما گاهی مرتکب بعضی اسماهاست  
بررگی شده است چنان که در مورد ابوالعرج روی و رودکی در سطور فوق

سنگ اسای مؤلف در مقدمه بسیار مصوع است اما شرح حال شعرارانه نشر ساده

نوشته است

### شرح خطی خلاصه الشعرا

۱ - نادلین س ۳۶۶ (ناقص الاخر و بیر بعضی صفحات اردیوین مستحب از این

افزاده و هم محیی رباعیات عمر حیا و اسعار ادیب صابر را اصلاح ندارد)

۲ - مجلس س ۱۲۰ و ۱۳۲ از کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (در دو جلد

کد تمهید آخر آن جلد صفحه افاده است جلد اول آن مستمل بر ۷۱۵ ص صفحه ای

۲۱ سطر و جلد دوم مستمل بر ۶۱۷ ص و صفحه ای ۲۱ سطر میباشد)

برای شرح حال و آثار ملا صوفی **مادر بدرانی** رجوع شود به خلاصه -

الاشعار و میخانه (ص ۸۰ - ۴۷۶) و عرفات العاسقین و لطائف الحیال و ما بر الاله راح ۳

ص ۴۴۴ - ۴۵۱ (در ردیل ترجمه میر سید حلال صدر) و بیاض شماره ۲۳۷ مجلس بهران

مورح ۱۰۵۹ هـ بحظ ه محمد صالح برادرزاده اسکندر بیگ ممسی مؤلف تاریخ عالم آرای

عباسی و خلاصه الشعرا (مقدمه) و صحف ابراهیم و حوسگو و اسپرنگر و فهرست نادکی -

پور ح ۳ ص ۶۱

برای شرح حال و آثار **عبداللطیف عباسی** رجوع سوده عمل صالح ح ۳

تألیف محمد صالح کسوده و پادساز نامه ح تألیف عبدالحمید لاهوری و خلاصه الشعرا

(مقدمه) و مستحب اللباب ح ۱ ص ۵۲۳ و حقیف الحقیف مرتبه ح استفس

برای فهرست **اساهای شعرا** رجوع سوده به فهرست نادلین ص ۱۹۷ الفالی

ص ۲۰۳ ب<sup>۱</sup>

۱ - در این فهرست تنها اسم ۱۲۰ (ملکد ۱۱۸) شاعر ذکر شده است اما در نسخه مجلس

در فهرست کتاب اسم ۱۲۶ شاعر و اشعار قریب ۶۲ شاعر دیگر آمده است



## عرفات العاشقین

ابتدا

« بسم الله الرحمن الرحيم - ومن دخل كان آمناً رباعی  
 ای آنکه ترا در حرم دل بار است      گر با حجر الاسود عشقت کار است  
 احرام طواف معرفت بسته در آی      کایجا عرفات کعبه دیدار است  
 تیمماً و ترکاً افتتاح کلام در این مقام نام احدیست قدیم صمدی واج  
 التعظیم حل سائبه و عظم مکانه

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب تقی الدین محمد الحسینی الاوحدی الدقاقی البلیانی ثم الصفاهازی متخلص به «تقی» است (چنانکه اشپرنگر و ایوانود کر کرده اند و در تذکره محرن العرایب و دیگر تذکره ها تعی او حدی ذکر شده و اکثر آنها ذکر او را تحت حرف «ت» آورده اند) اما عبدالمقتدر در فهرست نامکی بورتخلص ویرا «اوحدی» میویسد که محققاً اشتباه است اسم پدر مؤلف معین الدین محمد ابن سعد الدین محمد<sup>۱</sup> است و سبب بهمت واسطه شیخ المشایخ اوحد الدین عبدالله العارسی البلیانی<sup>۲</sup> میرسد و بچند واسطه به شیخ ابوعلی دقاق<sup>۳</sup> و از وی بچند واسطه نامام موسی کاظم میرسد

بلیان که وطن اجداد مؤلف قریباً است ارتوابع کارزون فارس روایست مؤلف اجداد وی اهل علم و فصل و صاحب «حرقه و سجاده بلکه هادی و مپدی زمان و دوران» خود بوده اند پدر مؤلف در زمانیکه اراضیهای فارس رفته بود هما بحافوت کرد و مؤلف اصلاً او را ندیده بود اما در «محرن العرایب» در ذیل شیخ معین الدین محمد اوحدی آمده است که او والد مولانا تعی الدین اوحدی صاحب تذکره عرفات است و در قزوین گاهی شاه

۱ - رك استوری ج ۱ ص ۸۰۸

۲ - برای شرح حال شیخ اوحد الدین رك صفحات الاس ص ۲۱۹ و سعبیه الاولیا

ص ۱۸۰

۳ - برای شرح حال ابوعلی دقاق متوفی ۴۰۵ یا ۴۰۶ هـ رجوع شونده تذکره الاولیا ج ۱

ص ۱۸۷-۲۰۱ و صفحات الاس ص ۳۲۸-۳۳۱ و سعبیه الاولیا ص ۱۵۹

طهماسب صفوی در مجلس وی حضور مییافت و سیح معین اندین از فروین شیرازوار آنجا به هندرف و درد کن در ۹۷۹ هـ فوت کرد و قول آحر صاحب «مجن العرایب» ناگفته خود تھی او حدی مایب و اختلاص دارد چون وی میگوید که پدرش در فارس فوت کرده است

مؤلف در عصر چهارشنبه ۳ محرم ۹۷۳ هـ در اصفهان بدینا آمد و بیست ریز از قطعه ای که مؤلف در شرح حال خود آورده است سال تولد وی را میسر است  
 در آنکه تاریخ سال مولودم طلب شاه نعمت اله است (= ۹۶۳ هـ)  
 تھی او حدی هوزد و از ده ساله بود که مادرش هم بدور حیات گفتم و او را بندر و مادر هر دو محروم شد

مؤلف در کوچکی بعد از ختم قرآن فراگرفت صرف و نحو و منطق و ریاضی را شروع کرد و سپس تحصیل حکمت و اخلاق مسعود گسب اما به مقتضای سن کوچکی خود برودی از تحصیل حکمت و اخلاق دست کشید

وی از کوچکی مطالعه شعر میپرداخت و از سن ده سالگی شعر میسر و دولی چون مادرش او را از گفتن شعر منع میکرد وی در زمان حیات مادرش شعر گوئی منصرف شد چون سائده ساله شد مادر عرصه تصوف و عرفان نهاد و در گوشه عزلت نشست  
 مؤلف مادر او ده سالگی در اصفهان «سورنما» یافت و بعد از آن برای یکسال در پردرد حویس و بدان واقارب خود سر برده و سپس باصفهان مراجعت نمود و با سائده سالگی در آن شهر سکونت داشت

سپس به فارس رفت و آنجا تا چهار سال «خدمت عرفا و طرفا و علما و شعرای محققین و مدققین» بوده و همانجا مادرش مولانا مرفاری که بسر عموی پدر او بوده ازدواج کرد

در سن بیست سالگی از سیران عراق رفت و در ۹۹۵ هـ هنگامیکه در اصفهان مخرج و مخرج عظیمی روی داد وی در اردوی سلطان محمد خدا سده صفوی (۹۸۵-۹۹۶ هـ) بود بالآخره چون شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) از حراسان فروین رفت تھی

اوحدی باعاق امرای دربار صفوی از اصفهان مسیر کاشان و قهرمیه و بالاخره وارد اردوی  
سازمان صفوی شد و یکسال را آنجا سر برده از راه اصفهان بشیراز رفت و آنجا پنج سال  
اقامت داشت.

در سنه ۱۰۰۰ هـ موقعیکه عبدالله خان اورنگ در مشهد دست بقتل عام زد و ساه عباس  
صفوی بطرف مشهد ستاف تقی اوحدی از فارس بعراق رفت و چون حریف فتح و مراجعت  
نارسانه ایران بعراق رسید باصفهان برگشت و چون سبی در حسن فتح و نصرت ناساه  
چراغان تردد مؤلف مناسب آن موقع رباعی سرود و پیش ساه گذرانید

سپس مؤلف با اردوی ساهی اصفهان بیرون رفت و آنجا تعداد زیادی شعر سرود  
و ضاعراً بعداً به اصفهان مراجعت کرد و هنگامیکه در آن ساهی از اصفهان کوچه پیکر  
مؤلف بعلت بیماری و ضعف عظیم از «دولت ملاحب» استعفا کرده و یکسال در اصفهان  
اقامت نمود و در موقعیکه آذربایجان در آن شهر پیدا شد و بیرون رفت و یکسال  
آنجا توقف نمود و در آن وقت حویدا اصفهان برگشت و قاسم ۱۰۰۵ هـ در عراق عجم  
سکونت داشت سپس بمشدرین دست عایه عراقی عرب رفت و آنجا چهار سال اقامت  
داشت و در سنه ۱۰۰۸ هـ از راه همدان راه گاه حویدا اصفهان مراجعت کرد و آنجا  
تا آخر سال ۱۰۱۴ هـ سکونت داشت.

در اول رحب ۱۰۱۵ هـ مؤلف با تفریق جمعی اردوستان تا مهندوسان سدوار عراق  
عجم بشیراز راه کرمان و قندهار و در آنجا به لاهور (لاهور) رفت در راه حبر  
فوت اکبر شاه<sup>۱</sup> و جلوس حبابگیر شاه (۱۰۱۶ هـ) داشتید<sup>۲</sup> یکسال و نیم در لاهور  
توقف نمود و سپس همراه اردوی حبابگیر سار تا م آگر آمد و بعد از یکسال و کسری

۱- مؤلف محرن العرایب در دیل اسم تقی اوحدی می نویسد  
در عهد اکبر شاه و نورالدین جهانگیر مهندوسان حبت نشان آمده . که باقول  
مؤلف اختلاف دارد

۲- مؤلف در دیل شرح حال حویدا شعریه و توصیف ریاضی از حبابگیر شاه بشر مصوع  
پرداخته است

بگجرات رفت در سال ۱۰۲۰ هـ تصمیم گرفت بحجاز عریض نماید اما عملی نشد و بالآخره ناگروه مراجع کرد در موقع تألیف کتاب عرفان یکسال و نیم بود که در آگروه اقامت داشت و سن مؤلف در حدود چهل و نه سال بود

سپس مؤلف با حمد آباد گجرات رفت چون در سال ۱۰۳۶ هـ کتاب «کعبه عرفان» را در احمد آباد انتحاب و تریب داد چنانکه در نسخه کعبه عرفان متعلق بکتابخانه بابکی پور توضیح دین آمده است

«این نسخه که کعبه عرفان است از عروه در احمد آباد گجرات (در سنه) ۱۰۳۶ هـ منتحاب شد»

مؤلف تا سال ۱۰۳۹ هـ در هید حیات بود چنانکه در نسخه خطی ش ۲۳۳ فهرست ایوانو اشعاری مورخ ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ را از خود نقل کرده است

بعینه احوال مؤلف بدست بر سید و سال فون وی بر وایت کرده است و نسخه شعراء ص ۱۰۵۰ است اما مأخذ اصلی این روایت معلوم نشد

### آثار مؤلف

آثار مؤلف چنانکه خودش در عرفان و کعبه عرفان ذکر کرده به قرار زیر است

### الف - شهر

- ۱- مشوی یعقوب ویوسف مشتمل بر ۲۲۲ بیت
  - ۲- ساقی نامه و سوم به شار و حمار<sup>۲</sup> - مشتمل بر سیصد بیت
  - ۳- کعبه دیدار - مشتمل بر سه هزار بیت
  - ۴- سفینه السعیه - مشتمل بر سه هزار بیت
  - ۵- کعبه الحرمین - مشتمل بر چهار هزار بیت
- ۱- تذکرة الشعراء عنی چاپ استی تیوت پارس آنگر ص ۳۳
  - ۲- نسخه بابکی پور ش ۶۸۵ ح ۸ - بشاء بحمار
  - ۳- ایضا بصرة المارین

۶- لوح محفوظ

۷- قلم قدرت

۸- تصرة العارفين - ديوان قصايد ومدح و قدح

۹- تذكرة العاشقين - ديوان عرفل مستمل بر نه هزار بيت - نسخة ناقصه اراين

ديوان در کلکتہ موجود است (رجوع شود به ايو ابو ش ۷۳۳). طاهر آين ديوان و کتاب «ديوان عرفيات» که در مدراس (ش ۷) موجود است يکيسب

۱۰- رباعيات اوصافيه و رباعيات اصافيه که بقول مؤلف «بروش نجوم اروی

فال گرفته ميسود»

۱- مثنوی شر گره (رجوع شود به رياض السعرا)

۱۲- ديوان معطعات و مطائات و اعاجی و رباعيات اصافيه و اوصافيه

۱۳- غیب الحيات «مسی بر آنچه در عهد گمشده»

۱۴- فردوس حيال اوحدی - اين کتاب را مؤلف در عرض شش سال در بين راه

بیرارو گجر - ترتيب داده و آن مسلسل بود بر اسعار مستحب از شعراي محتلت که

در ۱۰۲۰ هـ ناتمام رسيد اما بعداً یکی از امرای دربار حباب گيرساه در آگره وی را

وادار کرد که در اين کتاب تجديد نظر کرده و شرح حال شعرا را با اين کتاب اصافيه نمايد

و مؤلف در نتيجه کتاب مستعلی ترتيب داد با نام تذکره عرفات العاشقين (تذکره مورد بحث).

۱۵- ديوان اميد آباد در جواب اشعار اميدی

۱۶- ديوان آدميت

۱۷- ديوان حواهر رواهر

۱۸- ديوان درر و غرر «که قصايد محص اند»

۱۹- کعبه عرفان (رجوع شود به خلاصه تذکره عرفات در نايان اين بحث)

۲۰- انتحاب کعبه عرفان (رجوع شود به خلاصه تذکره عرفات در نايان اين

بحث)

۲۱- کلیات - طاهر آ مجموعہ مشو پهای کوچک مؤلف بود که نسخه ای از آنرا

اشپزنگر در فهرست خود (در ص ۵۷۶) ذکر کرده است.

### ب - نشر (ونظم)

۱- سرمه سلیمانی- در لغات فارس است مؤلف برهان فاطع در موقع تألیف کتاب خود از این فرهنگ استفاده کرده است نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه لنین گرا موجود است (رجوع شود به فهرست رالمان زورن ص ۱۶ س ۱۷۴)

۲- رساله کافیة العافیة در علم فایه و روس سخن است که مؤلف در آن شصصد بیست و پنج اسطرخاد آورده است

۳- رساله مفصاح معانی و عیبیه - در تصوف است که مؤلف طی آن سسپه را بیست و پنج اسطرخاد آورده است و بقول مؤلف «عوب سه» (از بر رفته)

۴- تذکره عرفان العالی - تذکره مورخین که بقول مؤلف فریب بیجا باصص هر از بیست در آن جمع نموده است

### ۵- جفر اوحدی

علاوه بر کتب سابق الذکر مؤلف بکثیریوان شعر داشت که شامل فردوس و ارده هر از بیست بود و در فهرست گم شد

### تصیره بر کتاب

نمی اوحدی تألیف عرفان را در ۱۰۲۲ هـ در آگره شروع کرد و همانجا در ۱۰۲۴ هـ آنرا با تمام رسانید چنانکه در مقدمه کتاب می‌نویسد «و حال التحریر که ۱۰۲۳ است یکسال و نیم شد که در آگره واقع و در تمام این نسخه سر به سر حد و جهد آمده در سعی تابع همما امکان تمصیر نمی نمایم» و همچنین در مقدمه این کتاب قطعه‌ای آورده است که بیست و سه آن تاریخ امام این کتاب (۱۰۲۴ هـ) را بطریق معنی میرساند

هر که تاریخ جویدس گویم      بدو سال این نوی تمام شده

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب خبری توضیح میدهد که در زمانی که وی عازم هندوستان بود در اوایل آن مسافرت یکی از بازاران حائبی و دوستان حاودانی وی

نام حیدر لفسی همدانی از وی التماس نمود که بطور یادگار برای او مجموعه‌ای از اشعار متقدم و متأخر سارد و سایر حواصس آن دو سب مؤلف هر چه اسعاری از شعرای مختلف در عرض سس سال مسافرت از سیر از بنا گجرات، هندوستان جمع آوری نموده بود بصورت مجموعه‌ای نام «فردوس حیال اوحدی» ( کدتم نام کناسب و هم ماده تاریخ تألیف آن) برقیسداد سس در سال ۱۰۲۶ هـ که در دارالسلطنت آگره اقامت داشت «یکی از احلد اعیان رمان که «صدق اصداقا احب احبا» دوسنی صمیمی قدیمی» مؤلف بود از وی فرمایش کرد که کتاب «فردوس حیال» نثری بی‌انصاف نبوده آرا بصورت بد کرده‌ای در آورد و ما برای مؤلف شرح حال «اکابر و اصداغرا از اساطین سلاطین و وزرا و شعرا و عرف و فصلا و علماء و علماء و طرهای قدیم و جدید هر کس که شعر سروده بود اگر از اشعار وی یک بیت هم بدست آمد در این بد کرده آورده و اسم آرا «عرفان و عرفات» می‌و و عرصت و عرصات عاریس، گداسب

مؤلف اسم مآخذ کتاب را در مقدمه یا حاتم کتاب بیان کرده است اما در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای در بر آرا ذکر کرده است که آرا در تألیف این کتاب استفاده نموده است

۱- لب الالباب (لباب الالباب) عوفی - در شرح حال اکثر شعرا ای متقدم از این کتاب استفاده کرده است

۲- مجالس المعانی - در شرح حال اکثر شعرا ای متوسط از این کتاب استفاده کرده است

۳- تذکره النساء (رجوع شود به نام دختر قاصی سمرقندی)

۴- چهارمقاله سمرقندی (رجوع شود به نام ابی رحاء العربی و غیره)

۵- صفات الاس (رجوع شود به نام ابویزد سمرقندی و غیره)

۶- سیر از نامه (رجوع به نام سیح ابو عبد الله شیرازی)

۷- تاریخ صفویه (رجوع شود به نام شاه اسماعیل و غیره)

۸- حبیب السیر (رجوع شود به نام معنائی و خواند میرو غیره)

- ۹- طبقات ناصری منهاج سراح (رحوع شود نام امیر جاوش)
- ۱۰- تا، کرة العارفين (رحوع شود به نام مولا با حواحه حان حوافی و غیره)
- ۱۱- تاریخ همایونی (رحوع شود به نام سامان و غیره)
- ۱۲- تاریخ ساهر حی (رحوع شود به نام ملک سمن الدین و غیره)
- ۱۳- (برهب القلوب) حمداله مسوقی (رحوع شود به نام کمال الدین اصفهانی)
- ۱۴- تاریخ بیعی (رحوع شود به نام محمود عربوی)
- ۱۵- نظام التواریح (رحوع شود به نام ملک شاه و غیره)
- ۱۶- مقالة الابرار (رحوع شود به نام نجم الدین محمود)

این تذکره مستملسب برد کر ۳۱۹۵ ساعراً<sup>۱</sup> شرتیب الفاء<sup>۲</sup> از روی حرف اول اسم یا تحلیص ساعرونا «اسادا بوالحسن رود کی» شروع شده با «میررایوسف حان» نام میشود و حاوی دگر سغرای معدوم و متوسط و متأخر میباشد که دگر سار را در بیست و هفت «عرصه» آورده است و هر «عرصه» مخصوص است برای یک حرف. هر «عرصه» مشتملسب بر سه «عرفه» شرتیب برای دگر سغرای معدوم و متوسط و متأخر مؤلف به قول خود پس حتی المعذور اسعار صوفیانه و عاشقانه را از دو اوین سغرا اسحاب نموده و در این تذکره بسب کرده است

وی در مقدمه کتاب ادعا نموده است که در مورد هیجکس بعضب و حاسداری نکرده است و این قول مؤلف می بر حقیقت میباشد چنانکه مؤلف در سراسر کتاب از هیجکس ابتعادی نکرده و هیجکس را مورد تصحیح و تسبیح قرار نداده است و از این حیث این تذکره دارای بعضب بزرگی است چون فاقد نقد و نظر صحیح مؤلف درباره شعرای مدکور میباشد و عرارت تعرف و توصیف حتی از سغرای درجه سوم و چهارم چیری ندارد و بسا برای تعریف مؤلف را بهیچوجه نمیتوان اعتناری گذاشت

۱- استوری تقریباً سه هزار ساعر (رک استوری ح ۱ ص ۸۱۰)

۲- اماگاهی در ترتیب اسامی اشتهاء کرده است چنانکه مولا با رندی کاسی را بحای

عرصه «راء» در عرصه «نون» و اسمعیل بن روح را بحای عرصه «الف» در عرصه «میم» آورده است



اشعار و شرح حال اکثر شعرائی متقدم و متوسط را معصل آورده است اما در ردیل نام شعرائی متاخر شرح حالشان را در دو سه بیت نقل کرده است. از جمله ۳۱۹۵ شاعر مؤلف در ردیل نام ۱۳۶ شاعر اشعارشان را معصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است مانند ابوالفرح رومی و ابوسعید ابوالخیر و غیره. همچنین در ردیل نام ۶۸ شاعر شرح حال آنها را معصل اما مابقی اشعارشان را مختصر آورده است مانند سلطان محمد حلایر و شاه اسمعیل صفوی. تنها در ردیل نام ۴۱۶ شاعر اشعار و شرح حالشان را معصل آورده است مانند ابونکر اردیقی الهروی و سیح امین الدین بلخانی و غیره.

اشعار و شرح حال بقیه شعرا را مختصر آورده است.

در ردیل نام شعرائی ردیل اشعارشان را از سایرین معصل تر نقل کرده است محمود شستری و مسیح کاشانی (هر کدام در ۵۵ ص) و فرحی (در ۵۵ ص) و بطامی گنجوی (در ۶۱ ص) و نظیری (در ۷۲ ص) و مسعودی سعد سلمان در (۷۲ ص) و تمی اوحدی (در ۸۱ ص).

رو بهمرفته اشعار خود را در همه معصل تر آورده است.

همچنین رو بهمرفته شرح حال خود را نیز در همه معصل تر (اول در ۶ ص در مقدمه و سپس در ۱ ص تحت «بفی اوحدی») آورده است. گاهی در ردیل نام بعضی شعرا جمله‌ای برای معرفی آنها آورده است اما اشعار آنها را معصل نقل کرده است مانند قاضی عثمان قاضی و غیره. گاهی در مورد بعضی شعرا از آنها خیلی تعریف و توصیف نموده است اما شرح حال آنها را در یک دو جمله آورده و از آنها یک دو بیت نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام اجتری ترسیری و ملا اجتری یزدی.

بعضی کلمات و اصطلاحات مسکلی را که در اشعار شعرا مکارر شده است در موقع نقل آن اشعار شرح داده است مثلاً رجوع سوخته نام فخرالدین عساکر کسب در ردیل شرح حال اسحاق مد کوره ردیل آنازان را نسبتاً معصل ذکر نموده است.

شیخ ابوعلی سینا و تقی اوحدی (مؤلف) و حامی

گاهی در ردیل شرح حال سعرا بعضی حکایات حالی را نقل کرده است مثلاً

رجوع سود به سمائی و فردوسی و لسانی

در ردیل نام رفیع الدین مرزبان العارسی شرح حال او را اصلاً نوسته و ننماد شرح

مطراز او تعریف و تمجید بیخود کرده است که منظور از آن غیر از عبار برداری

خیر دیگر، نظر نمیآید چون بی آن شرح سطر هیچ اطلاعی در بار زندگی شاعر نداده

همچنین در ردیل نام سیح الاویا سیح مختار الدین صفی بن محمود شرح حال او را

اصلاً نوسته و تنها اشعار او را (در - حص) نقل کرده است

در ردیل شرح حال اکثر سعرا مؤلف بطور اعراق آمیزی از آنها بویف و توصیف

کرده است اما مقصود مؤلف از آن حرعبار آرائی خیر دیگر نبود. چون از این عبارات

طویل هیچ مطلبی ندست خواننده بهم نمیرسد (مثلاً رجوع سود به نام اهلی حرامانی و

اهلی سراری)

در ردیل شرح حال اکثر سعرا مؤلف سال ولادت و وفات و وقایع مهم دیگر

از زندگی آنها را نقل نکرده است

۵. حسین در دل نام بعضی از سعرا بویف و توصیف آنها را در حدیثین حملدمعاف

بطور اعراق آمیزی آورده اما باوجود آن هیچ اطلاعی در باره زندگی آنها در سراسر

شرح حال بهم نرسایده است (۲. الارجوع سود به نام ابوسعیب صالح بن محمد الهروی و

ابوسعید سعادت بن سعید سلمان)

سک. مؤلف در این کتاب عالماً صنوع و بر تکلم است و حتی در نوشتن شرح صنوع

مؤلف سعی بلیغ نموده است و به خصوصاً در موقیع بویف و توصیف از سعرا عالماً نشر

جمع نگار برده است

عالماً نقل از اسم و بخلص ساعر القاب توصیفی آورده است که آخر آن عالماً ناام

و بخلص ساعر هم فایده نییاست مانند

«استاد الشعرا امیر الملعا امیر العصحا عجوقة العصر حکیم المعروف المکوف ابو عبدالله الرودکی» یا «السید السند الفاضل الکامل مرشد الدهر معنی عمدة الرمان ربدة الدوران صورت مرایای حلی و حقی سمس الداعی السغی» یا «شاه سریر بی نیاری داعی کلمات حقیعی و محاری آفتاب عالم سرافرازی شاه داعی اله شیرازی»  
گاهی این القاب توصیفی را حیلی معصل آورده اسب (مثلا رجوع شود ه نام شیخ ابوالحسن خرقانی و میرناقر داماد و فردوسی).

گاهی بمناسبت اسم یا تحلیص شاعر در موقع نقل القاب توصیفی حناس میاورد  
مانند

«عواصم محیط احتصاص ابو محمد عواصم» یا «اشرف سرفای معانی گلبن گلستان سخندان حکیم اشرف گلستانی»

از لحاظ جامعیت و تفصیل مطالب تارمان تألیف عرفات هیچ تدکره ای نمیتواند با آن کتاب برابری کند و اگر اعراب آرائی بیمعی و تعریف و توصیف بیحد و ارتعراص فطر کبیم این تدکره تارمان خود جامع ترین و بهترین تدکره فارسی بوده و حتی میتوان آنرا حرو و بهترین تدکره های فارسی محسوب داشت  
آرزو در «مجمع العایس» در باره تدکره «عرفات العاشقین» میسویسد «کتابی ناین جامعیت دیده شده»

اما واله در «ریاض الشعرا» راجع به تقی اوحدی مؤلف عرفات حسین اظهار نظر کرده است .

«تدکره مسمی عرفات که مر حرفاب سیار در آن درج کرده تألیف نموده مستمل بر هشتاد هزار بیت و بار از آن تدکره دیگر انتخاب کرده است مسمی نکهبه عرفان که اگر بطر نکهته سحان دققدیاب برسد مایه مولف را از آن در مییابد» ولی حال این اسب که واله در تألیف ریاض الشعرا تدکره عرفات را اساس خود قرار داده و مطالب را از آن کتاب نقل کرده اسب اما اکثر سعی نموده اسب بر قول تقی اوحدی انتقاد

نماید و گاهی بی علت بروی تاخته است. حتی اسم عرفات را در مقدمه کتاب حر و ما آخذ خودد کر کرده است در صورتیکه در تألیف تذکره خود از هیچ کتاب دیگر باندازه تذکره عرفات استفاده نموده است و این امر شاهد تعصب و بی عدالتی و اله می باشد

### نسخ خطی

ناگفته نماند که نسخ کامل این تذکره بسیار نادر بوده است. آزاد در «حراه عامره» (ص ۷) مینویسد که وی نسخه ای از این کتاب دیده بود که تنها از حرف «ص» تا حرف «ی» داشته اما در موقع تألیف حراه عامره هیچ نسخه ای از این کتاب در دست او نبود

آرزو هم همین گله داشت که نسخه با تمامی از این کتاب داشت و نسخه کتابخانه ایوان هند شرقی<sup>۱</sup> که بلائید در دست داشت نیز تا بهر ششم در حرف «ق» بود و بقیه کتاب از آن نسخه افاده بود

سخی که امروز در کتابخانه ها از این کتاب محفوظ است بقرار زیر است

۱ - کتابخانه ملک ش فیش ۵۳۲۴ مورخ قرن ۱۱ هـ

۲ - آصغیه ح ۳ ص ۱۶۴ ش ۲۰۹

۳ - اندیا آفس ش ۳۶۵۴<sup>۲</sup> (= لندزیانا ص ۲۲۳ ش ۳۱۳ مورخ تقریباً

۱۷۶۰ م / ۱۱۷۴ هـ)

۴ - بانک پور ح ۸ ش ۶ - ۶۸۵ ( این نسخه ظاهرآ کاملست غیر از اینکه عرفه

دوم و سوم در عرصه «ح» مشتمل بر ۱۳۸ شاعر را ندارد ) مورخ ۱۰۵۰ هـ

### خلاصه عرفات

۱ - کعبه عرفان مؤلف در ۱۰۳۶ هـ خلاصه ای از کتاب عرفات بنام «کعبه

East India House Library - ۱

۲ - این نسخه در فهرست آته ذکر شده است ر ک استوری ح ۱ ص xvi

عرفان» در احمد آباد گجرات ترتیب داد که هر حرف آن مشتملست بر سه قسمت بعنوان  
حنایی و مهابی و دیایی بر ترتیب سراج به شعرای متقدم و متوسط و متاخر و مجموعاً قریب  
به هشتاد هزار بیت دارد

۲ - انتخاب کعبه عرفان - خلاصه کعبه عرفانست که مؤلف بفرمایش حبانگیر  
ساز در سه «رکن» مشتمل بر شعرای متقدم و متوسط و متاخر ترتیب داده است .

۳ - گلدسته - عبدالوهاب عالمگیر بن سید منصور خان در ۱۱۵۵ هـ تذکره‌ای  
سام گلدسته ترتیب داد که اکثر اشعار را از انتخاب «کعبه عرفان» و نقل کرده  
است (رجوع شود به بحث درباره «گلدسته» در این کتاب)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به عرفات العاشقین<sup>۱</sup> و محرن العرایب و  
فهرست نایکی پور و استوری ح ۱ ص ۸۱۱ و ریاض الشعرا و تذکره طاهر نصر آبادی و  
مجمع البعایس و بلا بد در مجله انجمن همایونی آسیائی ح ۹ ص ۶-۱۳۴ و اشیر نگر ص ۹۵  
و گلدسته

فهرست اسامی شعرا در هیچ کتاب یا فهرست کتابخانه نیامده است

## تذکره خرابات

ابتدا : (سخه کتابخانه به ملک تهران که تنها نسخه این کتاب است با «تمه  
غرلیات حامی» شروع میشود)

### شرح حال مؤلف

اسم مؤلف در این کتاب ذکر شده است و شرح حال خود را نیز در این کتاب  
بیاورده است اما اطلاعات ریز درباره آن از محتویات کتاب بهم میرسد :

۱ - مؤلف با حان احمد میرزا حاکم گیلان فوق العاده ارادت داشته و شرح حال  
اورا خیلی مفصل و دقیق نوشته است و طاهر اوی از حوان نعمت خان مرپور پر خوردار  
زده است

۱ - شرح حال مؤلف در عرفات العاشقین مفصلتر از سایر کتب آمده

۲ - مؤلف در کودکی در هرات بوده و آنجا با خواجه حسین ثنائی ملاقات کرده است (رجوع شود به شرح حال خواجه حسین ثنائی)

۳ - مؤلف باشعرای ریر ملاقات کرده است :

(۱) خواجه حسین ثنائی چنانکه در ذیل نام او مینویسد :

«فقیر حقیر راقم این مجموعه موسوم به حرا بات در هرات در کودکی در خدمت ایشان مشرف شدم»

(۲) رضا کاشی چنانکه در ذیل نام مینویسد

«در ایام نواب مرحوم علیقلی خان شاملو ارکاشان بهرات آمد و بنده در آن ایام در خدمت او رسیدم و در تاریخ ۹۹۵ هـ در قتل عام هرات بدست عسا کر عبداللہ اربک شهید شد»

(۳) میررضای مشهدی چنانکه در ذیل شرح حال او مینویسد -

«در شهور سنه ۹۹۰ در دربار السلطنه در خدمت او رسیدم»

(۴) شاه روحی همدانی چنانکه در ذیل شرح حال او مینویسد -

«در خدمت او رسیدم فی شهور سنه ۹۹۶ هـ»

۴ - چنانکه در ذیل نام رضا کاشی در سطور فوق گذشت مؤلف در ایام نواب

علیقلی خان شاملو در هرات بوده اما معلوم نیست در ۹۹۵ هـ در ایام قتل عام هرات هم در آنجا بوده است یا خیر؟

۵ - در شرح حال مولانا تاحری و باقر حورده کاشی و میر تشیبی اصفهانی و

ایسی شاملو و میر ابوالقاسم معلوم میشود که از سال ۱۰۱۰ هـ تا ۱۰۲۵ هـ در هند بوده است.

۶ - در محرم ۱۰۱۹ هـ در رها پور هند بود (رجوع شود به شرح حال ایسی

شاملو).

۷ - در ذیل نام میر ابوالقاسم «نواب حسین خان میرزا» را ولی نعمت خود نوشته

## تبصره بر این کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۰۱۰ هـ شروع کرده و در ۱۰۲۵ هـ هنوز مشغول تألیف این تذکره بوده است چنانکه در ردیل نام مولانا تاجری میویسد «الحال که تاریخ ۱۰۱۰ هـ است در هند است». همچنین در ردیل نام باقر حردیه کاشی و تشبیبی اصفهانی و امیر المعالی کاشی و ابیسی شاملو و مولانا اصح کرمانی و میر ابوالنقای نقائی ترتیب سالهای ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۸ و ۱۰۱۹ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۵ هـ را سالهای جاری نوشته است.

مؤلف در مآخذ خود تنها اسم مجالس النقایس را ذکر کرده است (رجوع شود به نام درویش دهکی)

این کتاب که با تمام ما بده است با «حامی» (تمه غریبات) شروع شده با «مولانا ربانی» تمام میشود و مشتملست بر ذکر درویش و بودویک (۲۹۱) شاعر متأخر و ترتیب اسامی شعرا عالیاً الصائی است و مؤلف خواسته است این تذکره (با تمام) را ترتیب الصائی بویسد چنانکه بعد از اشعار حامی که در ابتدای کتاب آمده است غالباً ترتیب اسامی شعرا الصائی است

در ردیل ۱۲۹ شاعر تنها یک دو بیت از ایشان نقل کرده و در اکثر موارد تنها یک بیت از آنها اکتفا کرده و هیچ شرح حالی از آنها نیاورده است مثلاً (رجوع شود به زینتی حنابدی و زینتی مشهدی).

همچنین شرح حال اکثر شعرا را در نیم سطر یا یک سطر آورده است .  
شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است .

خواججه حسین ثنائی (در یک ص) نواب خان احمد میرزا (در ۲ ص) و جامی (در ۳ ص)  
همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از همه آورده است نواب احمد خان میرزا  
و مولانا حیرتی (هر کدام در ۲ ص) و میرزا جعفر خان مشهور به آصف خان و مولانا  
هلالی (هر کدام در ۲ ص) و امیر المعالی و رامینی رازی (در ۳ ص) و جامی (۱۴ + ۵ ص)  
حیدر تیلوه (۷ ص) و حضری خواساری (۱۶ ص) و ابیسی شاملو (۱۸ ص) و خواججه

حسین ثنائی (ص ۴۵).

مخصوصاً درذیل نام حواجه حسین ثنائی انتخاب مفصلی ارقصاید و عرفیات و مقطعات و رباعیات و مشوی و آورده است و رویهمرفته اشعار او را مفصل تر از سایرین نقل کرده است.

درذیل نام مولانا حامی و مولانا جلال الدین دوانی اسم آثارشان را مفصل نقل کرده است.

مؤلف میگوید که شعرای ریدر موقع تألیف این کتاب در قید حیات نبودند. نواب خان احمد میرزا (حاکم گیلان) و امیرانوال معالی کاشی و میرانوالحسن تفرشی مشهور به راهانی و ابونراب بیگ کاشی و مولانا امبی و مولانا پروی ساوخی و محمد حسین ثنائی و میرانوالنمای ثنائی و تاسعی حواساری و داعی حراسانی و نواب رستم میرزا و راری و رامینی

گاهی در ضمن شرح حال شعرا حکایات حالی را نقل کرده است (مثلاً رجوع شونده شرح حال امیر حاج انسی)

سک اشای مؤلف غالباً ساده است اما گاهی شرمصوع و وحی شرمسجع هم نوشته است. مخصوصاً درذیل شرح حال اهلی شیرازی و اهلی ترسیری بنشر مسجع پرداخته است.

گاهی جمله ای مصوع بمعنی «فوت کرد» آورده است چنانکه

درذیل نام اهلی حراسانی منویسد «آنجا رحب رند گانی بحانه حاودانی کشید»

درذیل حواجه (میرزا) حلال اسیر میویسد «مستوفی قضا و اوراق حیات او را باطل ساخت»

رویهمرفته این تذکره درباره شعرای معاصر مؤلف بعضی اطلاعات مفیدی را بهم میرساند و حاوی ذکر بعضی شعرای اوایل قرن یازدهم میباشد که در تذکره های دیگر اصلاً ذکر آنها برفته است و چون مؤلف نا کثر آنان معاصر بوده و بنا بر بعضی



ارآنان ملاقات کرده است بنابراین بیان او درباره آنها قابل اعتبار و اعتماد میباشد.

### نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد این تذکره که قسمتی از آن حتماً بحضرت مؤلف است در کتابخانه ملک تهران موجود است و مؤلف هنوز آن را با تمام رسانده است و ظاهراً هیچوقت فرصت این کار را نداشته و این نسخه را همینطور با تمام گذاشته است در ردیف نام بعضی از شعرا حای حالی برای نوشتن اشعار گذاشته است (مثلاً رجوع شود به نام اهلی شیرازی و شیخ بهاء الدین محمد) و همچنین حای حالی برای شرح حای شعرا گذاشته است (مثلاً رجوع کنید به نام اسیری ترمذی و حیدر تیلوه). گاهی مطالب را اصلاح نموده و بعضی را باطل کرده است چنانکه در ردیف نام «بهاری قمی» اشعار او را خط کشیده و یاد در ردیف نام نواب رستم میرزا می نویسد. «چون آن حضرت فدوی تحصیل کرده اند اشعارشان در ردیف «فا» طرح باید کرد»

این نسخه بعضی اضافه‌هایی بحضرت دو نفر دیگر برده است که یکی از آنها «محمد طیب» است چنانکه وی گاهی باین اسم امضاء کرده است

### تذکر

اسم این تذکره در هیچ کتاب دیگری نشده و حتی استوری هم از وجود آن بی خبر بوده است

## میخانه (عشاق)

### ابتدا

کسی کوشود مسب ارحام دوست      ترا و در هر موی او نام دوست .  
 اراو خوش در حرم میخانه ها      و روشور در معر دیوانه ها  
 ادای حمد از زبان دل مرستان شراب جام اری وود کر سائی از صمیم قلب شیر گیران  
 باده وحدت لم یرلی سرا و ارمالک الملکی است که سرا برده عظمتش بر تر از ساحت  
 موفور المساحه کون و مکاست»

## شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب در پایان «مرتبہ دوم» میخانه احوال زندگی خود را به تفصیل بیان کرده است و همچنین در موارد دیگر نیز در این کتاب راجع به خودش اشاره‌هایی نموده است. با استفاده از اقوال مؤلف شرح حال او در بلا درج می‌گردد.

اسم و لقب مؤلف عبدالنسی خان فخرالرمانی و تحلیص وی عربتی و نسی است. اسم پدرش حلف پیگ است که هیچ‌وقت شعر نگفته و مردی درویش نهاد و صوفی مسرب بود و اوقات خود را در قزوین بجا می‌گذراند اما بعد از ادای حج چون بوطن مراجعت کرد دیگر تارک دنیا شده و درویشی اختیار کرد و بقیه عمر خود را در ویستی و خدا پرستی گذراند تا در اوایل سال ۱۰۰۱ هـ در قزوین طبق بیستگونی خودش بمرص طاعون در گذشت.

حد مؤلف فخرالرمانی نام داشت و بهمان نسبت مؤلف خود را فخرالرمانی می‌گوید. فخرالرمانی مرور در فصیلت و مورویب سرآمد و روزگار خود بود و به صب قسای قزوین را داشت. نسبت وی بحواحه عبدالله انصاری (متوفی در هرات ۸۸۰ سن ۸۴ سالگی<sup>۱</sup>) میرسد.

عبدالنسی سال ۹۹۸ هـ<sup>۲</sup> در قزوین حسم بهمان گشود و همانجا سر رشد و تمیر رسید از اوایل عمر دوق و سوق شعر گوئی داشت و اکثر اوقات خود را در صحبت شعرا می‌گذراند و در آرمای عربی تحلیص می‌کرد. مانند شعروی بداستان سرائی هم علاقه فراوانی داشت و حافظه او بقدری قوی بود که قصه امیر حمزه را یک بار شنید و حفظ کرد و اگر در محلی کسی صدیبت پیش او می‌خواند قریب به هفتاد خان حفظ او میشد که بخانه آمده همه را یاد داشت می‌کرد.

۱- ر ک مرادات هرات ص ۵۰

۲- چنانکه در سطور آینده می‌آید مؤلف در مورد سالگی بمشهور رفت و آنجا یکماه

توقف نموده و در ۱۰۱۷ هـ ارداه قندهار به لاهور رسید تا برای تسولد وی در ۹۹۸ هـ اتفاق

در نوبده سالگی عمر زیارت امام رضا (ع) بمشهد مقدس رهنه توقریب بیلماه  
در آشهر اقامه داشت در زمان اقامت وی در مشهد بعضی از تجار و کسایکه به هندوستان  
رهنه آمد داشتند پیش او چندان تعریف هندوستان کردند که اشتیاق فراوان برای  
مسافرت بآن سرزمین در قلب او ایجاد گردید و تقریباً سه سال بعد از حلوس جهانگیر ساه  
مؤلف در آخر سال ۱۰۱۸ هـ بیمار و برار از راه قندهار بپلاهور رسید<sup>۱</sup> و چهار ماه در آن  
شهر توقف نمود تا حسنگی سفر کلکی رفع شد و سپس در سال ۱۰۱۸ هـ بدار الخلافه  
آگره رسید<sup>۲</sup>

چون بآگره رسید خود را بخدمت یکی از خویشاوندان خود میرزا نظامی  
قروینی رسانید که در آن ایام بواقعه نویسی در گاه جهانگیری استعمال داشت<sup>۳</sup>. میرزا  
مزبور بشیدن فیه امیر حمزه خیلی علاقه داشت و بنا بر این مؤلف بسبب تمرین و  
ممارست در اندک مدت در فن داستان سرائی کمال مهارت را بدست آورد. اما در این  
ایام بعلت اسعال بقصه گوئی نتوانست بگفتن شعر پردازد

در سال ۱۰۲۲ هـ خون موکب و لشکر جهانگیر شاه بجا بآحمیر حرکت کرد  
مؤلف بیره همراه میرزا نظامی عازم آسپرت شد و آنجا اتفاقاً بیکى از هموطنان خود نام  
مسیح بیگ بر خورد کرد وی در خدمت زمانه بیگ مها سجان بوده و میبابت خان  
اورا مدارا مهمام پسر خود میرزا امان الله خان معرر کرده بود زوری مسیح بیگ عبدالسی  
را بخدمت میرزا امان الله مر نور برد و چون حسب الامر وی عبدالسی فصلی از داستان  
(امیر حمزه) بیان کرد میرزا چنان مشغوف شد که نگذاشت وی بممرل بر گردد بلکه  
بجمعی از عربان که معتمدان خاص او بودند اورا سپرد و تا پانزده روزوی در نظر آن

۱- ر.ک میخانه ص ۲۶۱ س ۱۱ - ۲- ایضا ص ۱۲

۳- او در موقع تألیف میخانه (۱۰۲۸ هـ) دیوان صوبه (استان) بهار بود باید توجه  
داشت که او غیر از نظام الدین احمد مؤلف طبقات اکبری است اما حوض حال چند در تاریخ  
محمد شاهی معروف به نادرالزمانی عبدالسی را در قریب ایام نظام الدین احیر الکر نوشته  
است که اشتباه است

ماند اما روز شانزدهم اتفاقاً خان مرپور با اتفاق دو نفر از

ومسیح بیک بتصریحی دگر عبدالسی را بمیان آورد و خان مرپور مؤلف را  
خود خواند. اتفاقاً خان مرپور که پشعر علاقه فراوان داشت مصرع زیر گفت

نون چشمها نور نیست جایی بحصور  
عبدالنبی بداهه مصرع دیگر آن گفت  
وجش فوجیست گوئی ارغمره حور

چون این مصرع مورد پسند خان واقع شد با حاره اود و مصرع دیگر دیل را  
بتهار آن رباعی ساخت:

گل خورشید جهان آرا شد هر خار که دست از لب چشمه نور

خان مرپور باشیند این رباعی حنان خوشوقت شد که مصرعی ارامیر حسرو  
ده پیشهاد کرد که مصاحبین غرلی بر آن مصرع سارند و حور مؤلف روز  
، غرلی راپیش خان حواد مورد تشویق و تقدیر خان واقع شد و دیگری  
که خان مرپور عبدالسی را بکتابداری سرکار خود مقرر نمود .

آن به بعد مؤلف هم فرصت خوبی برای مطالعه کتب بدست آورد و ضمن مطالعه  
حور از مصنفات و مؤلفات متعددین و مساحرین اعم از شرو و نظم انتخاب مینمود  
ایام بخاطر او گذشت که دوسه تألیف به شرو و نظم ترتیب دهد تا در صفحه  
ر او یادگار نماید و سایر این طرحی برای تألیف سه کتاب بنام دستور  
نوادر الحکایات یا بحر النوادر و میخانه ریخت و بحسب تألیف میخانه  
گردید .

نور تألیف این کتاب پایان بر سیده بود که مؤلف « بیواسطه خط نصابی و  
ت مساس جسمانی » گرفتار مرض باد مغز<sup>۲</sup> شد و ارتقاس رسوائی و بدنامی و

— برای شرح بیشتر این کتابها رجوع شود به آثار مؤلف در سطور آینده

— حوشی بعایت سوران و دردناک ورنك آن برردی مایل و صاحب این مرض بیشتر  
احرارت و تب میباشد و علاج آنرا بچیرهای سرد میباشد کرد (فرهنگ آندراج)

قهر و عصبانیت حان بتوسط ارکان دولتش از وی احاره مراحت بولایت (ایران) گرفت و فوراً کتابهای ناتمام را همراه خود برداشته در لاس و قرا را حمیر بر آمدوار راه باربول روانه لاهور شد این واقعه در اواسط ۱۰۲۴ هـ اتفاق افتاد مؤلف در راه بایکی از رفقای خود (بنام محمود بیگ ترکمان) <sup>۱</sup> برخورد و موصیبه وی لاس درویشی را در آورده با اتفاق او عازم شهر مدکور گردید

چون در سال ۱۰۲۵ هـ لاهور رسید و با در آن شهر شایع بود و لذا از ترس آن بلافاصله روانه کسمیر شد و قریب بدو سال در آن سرزمین در خدمت میرزا نظام الدین احمد (نظامی قروینی) که دیوان و نحتی آن ولایت بود بسر برد و کتاب «دستور الفصحاء» را آنجا با تمام رسانید

در اواخر سال ۱۰۲۶ هـ حسب الطلب در گاه پادشاهی میرزای مرپور «ماندو» رفت و مؤلف نیز همراه او رفت؛ قریب بیست ماه در آن شهر اقامت نمود و چون میرزا بدیوانی صوبه (استان) بهار منصوب شد عبدالسی نیز همراه او به بهار رفت و در سال ۱۰۲۷ هـ به سمرقند برگردان استان رسیده <sup>۲</sup> ظاهراً چندی برد میرزای مرپور اقامت داشت

در زمان اقامت در سمرقند در سال ۱۰۲۸ هـ برد سردار حان حواجه یادگار <sup>۳</sup> برادر عبدالله خان فیروز جنگ تقریباً یافت و حان موصوف به عبدالسی آنقدر احسان کرد که او میخانه را بام وی موشح ساخت و ساقی نامه خود را هم در پتیه بنام حان مرپور با تمام رسانید در این ساقی نامه وی بیی تحلیص کرده است

عبدالسی در ۱۰۲۹ هـ در پتیه بود که حابهوی آتش گرفت و معذاری مسودات او طعمه حریق شد <sup>۴</sup>. در همان سال وی با گروه هم رفت چنانکه از کتاب نوادر الحکایات

۱- برای ترجمه حال او رک میخانه مرتبه سوم ص ۶-۸۸۳

۲- رک میخانه ص ۹۱۸ ص ۴

۳- برای ذکر او رک تورکها نگیری ص ۱۱۷ ص ۵ و ص ۲۷۳ ص ۱۷

۴- رک میخانه ص ۴۳۰ ص ۲۰ و ص ۱۸۶ ص ۲

معلوم است . بعد از آن در حال وی اطلاعی از هیچ مأخذی در دست نیست بجز اینکه او در ۱۰۴۱ هـ نورزنده بود و در همان سال دیباچه نوادر الحکایات را نوشته است .  
مؤلف در ساقی نامه خود آرزوی بازگشت بایران را با جوش و خروش بیان کرده است اما معلوم نیست که این آرزوی او تحقق یافت یا خیر . تاریخ وفات مؤلف بجز از هیچ مأخذی بدست نیامد

مؤلف راجع به مذهب خویش بالصراحت کبری نکرده است اما با احتمال قوی وی مذهب شیعه امامیه داشت و رفتن بر یارت مشهد معتمد در عنوان شایب و جمع آوری اشعار ساقی نامه ها در مدح ساقی کوب حضرت علی و امام رضا علیهما السلام و بسیاری از قصص شعرا که از حضرت علی استمداد کرده بودند و در میخانه ذکر شده است این گمان بر تشیع او را تأیید میکند همچنین در ساقی نامه حضرت علی و امام رضا را بطریق شیعیان مدح نموده و از آنها استمداد کرده و اصلاً کبری و اسمی از حلفای ثلاثه را در سراسر کتاب نیاورده است اما وی بظاهر تعصب مذهبی نداشته

### آثار مؤلف

مؤلف در دیل بر حمله حال خودس متذکر شده است که علاوه بر داستان سرائی از آغار دوق و شوق شعر داشت وی در «میخانه» ساقی نامه دو بیت شعری درج کرده و در همین کتاب بطور پراکنده بیست و یک بیت و پنج شعر از خود نقل کرده است و علاوه بر این او میگوید که تا سال ۱۰۲۸ هـ غیر از ساقی نامه هزار و سیصد بیت شعر ساخته است اما بحر اسعاری که در میخانه محفوظ مانده در جای دیگر شعری از او دیده نشده است.

من حیث المجموع وی ساعر معمولی و صافگوی است و اسم او و تألیفاتش عموماً در معرض حقا مانده و معلوم نیست که وی دیوانی هم ترتیب داده بود یا خیر  
قسمت مهم دوره تألیف عبدالسی از زمان کتابداری میرزا امان الله خان شروع

۱- ر ك فهرست ریوس ۱۰۰۴

۲- ر ك میخانه ص ۷۷۱ س ۱۰

میشود چون در آن ایام وی فرصت حویلی برای مطالعه کتب بدست آورده و این موقعیت حیلی استعاده کرده است. دیری نگذشت که وی باین بکته پی برد که تنها شعروسیله شهرت او نمیشود و فقط ممکنست «اخبار ارباب دولت» و «ادکار اصحاب طبیعت» و کلام آنها ذریعه شهرت او شود و بنا بر این دوق و شوق تألیف و تصنیف در وی ایجاد شد و چنانکه در سطور فوق گذشت در زمان کتابداری وی طرح تألیف سه کتاب بدیل را ریخته غیر از این سه کتاب اثر دیگری در دست نیست.

۱- **دستور الفصحا** - در فن داستان گوئی و مؤلف دستور العملی برای داستان خوانان درست کرده است. مؤلف تاریخ تمام این کتاب را «دستور با بحام رسیده» ذکر کرده است<sup>۱</sup> که از آن ۱۰۴۱ استخراج میشود اما از قرینه عبارت معلوم میشود که این کتاب در ۱۰۲۵ یا ۱۰۲۶ هـ پایان سیده اسوعی علاوه بر این در فاصله ۱۰۲۹ تا ۱۰۲۱ هـ هیچ واقعه ای در میخانه ذکر نشده و در نسخه که ما در امپور که در ۱۰۳۹ هـ استنساخ گردیده این عبارت همیطور درج است و سایر این نظائر این ماده تاریخ تمام کتاب درست نیست. نسخه ای از این کتاب امروز با ما مانده است.

۲- **نوادر الحکایات یا بحر النوادر**<sup>۲</sup> - در این کتاب مولف «حکایات شیرین و نقلهای رنگین» جمع کرده است و ظاهر در ۱۰۴۱ هـ تکمیل رسیده است (چون مؤلف دیباچه این کتاب را سال ۱۰۴۱ هـ نوشته است).

۳- **ساقی نامه** - مؤلف این ساقی نامه را نام سردار خان که ذکرش در سطور فوق گذشت سروده است. قریب به دو بیست بیت از آن در میخانه آمده است و معلوم نیست که آن ساقی نامه اشعار بیشتری هم داشته یا خیر.

۴- **قصاید و غزلیات و اشعار متفرقه** - ظاهر آمواف هیچوقت بترتیب دیوان خود نپرداخته و چنانکه در سطور فوق مذکور شد غیر از بیست یا بیست و پنج بیت شعر

۱- ر ك میخانه ص ۷۷۰ ص ۱۱

۲- این کتاب اصلا در هیچ حلد موده اما امروز تنها يك حلد از آن در موره مرپتا یا

موجود است (ر ك دیو ص ۱۰۰۴ ب).

که در میخانه آمده است اشعار دیگر وی در هیچ کتاب دیگر نیامده است .

۵ - میخانه - تذکره مورد بحث .

### تبصره بر کتاب

مؤلف در ناره سب تالیف کتاب در مقدمه چسب شرح میدهد «این ضعیف در دارالاماره هندوستان بحاطر رسانیدن که تألیفی چند از سخنان اکابر بر سیل یادگار ترتیب داده بر صفحه رورگار بگذارد اول زای بر آن قرار گرفت که سافی نامه های معدومین و متأخرین آنچه بدست آید تمام جمع کرده با احوال حیرمآل وائلان آن اشعار بر بیاض برده نام آنرا «میخانه» قرار دهی»

طبق توضیح مؤلف بحسین کاراو تألیف و تکمیل کتاب «میخانه» بوده است<sup>۱</sup> «چون طبع هنرمندان این جزو زمانه سافی نامه راغب بر دید»<sup>۲</sup> و نام این عالماً در ۱۰۲۱ یا ۱۰۲۴ در رمایکه وی در احمر معیم بود نتالیف این کتاب مرداحت<sup>۳</sup> در منبت بکماه او با مرده سافی نامه با شرح حال گویندگان آنرا ترتیب داد در همین اثناء وی دچار بیماری خطرناکی شد و محو رسد بکسمیر برود و طاهرأ در کشمیر بر برای جمع آوری مواد لازم برای این کتاب دست و پامیگرد و چون در ۱۰۲۸ هـ به پتنه رفت ناموادی که در عرص پنج سال فراهم آورده بود کتابی ترتیب داد و در همان حال این کتابرا مکمل کرد چنانکه قطعه ای که در حاتم کتاب در تاریخ اتمام کتاب آورده است معلوم میشود بیب اول و آخر آن بهر اریز است

در جهان از جمع سافی نامه

عمل آورد اریب تاریخ آن

ساحم میخانه رندانه بی

باده در میخانه رندانه بی

۱۲ + ۱۰۱۶ (= ۱۰۲۸ هـ)

امادر ۱۰۲۹ هـ مؤلف دوساقتی نام دیگر از مرملکی و عفور (از احرا الذکر

۱- ر ك میخانه - مقدمه ص ۲۰

۲- ر ك میخانه شرح حال مؤلف ص ۲۶۹ ص ۱۰

۳- ایضاً ص ۱۲



ترجیع بندی) <sup>۱</sup> اضافه کرد و بظاهر در مقامات دیگر نیز تبدیل و تعییری داده است. از ملاحظه نسخ خطی متعلق بکتابخانه آقای بیات و ملک تهران و مقابله آن بامیخانه چاپ لاهور معلوم میشود که مؤلف بعد از ۱۰۲۸ هـ که سال ختم کتاب است تجدید نظری در تألیف خود کرده و تعییراتی در آن داده است. در این تجدید نظر که تاریخ آن معلوم نیست مؤلف هیجده ترجمه دیگر بکتاب افزوده و بعضی از ساقی نامه‌ها را که در وهله اول بتخلیص و اختصار آورده بود بطور کامل ثبت کرده و همچنین بعضی از ساقی نامه‌ها را که بعلمت سوختن خانه وی در پشته از بین رفته بود بعداً بدست آورده و بالتمام درج کرده است.

مؤلف در میخانه بآحد خود حاجا اشاره کرده است اگر چه در همه جا در این مورد تصریح نشده است اما در اکثر موارد اسم مآحد و منابع خود را ذکر نموده است که نقرار زیر می‌باشد

### ۱ - مخزن اخبار تألیف میرمختار <sup>۲</sup>

۲ - تذکره دولت‌شاه (رجوع شود به ترجمه نظامی ص ۱۴۴).

۳ - جواهر الاسرار آذری (رجوع شود به ترجمه حال خسرو دهلوی ص ۶۲)

۴ - بهارستان جامی (رجوع شود به ترجمه حال نظامی ص ۹۴ و خسرو ص ۶۹)

۵ - نفحات الانس جامی (رجوع شود به ترجمه حال نظامی ص ۱۴).

همچنین از توافق بعضی عبارات معلوم میشود که مؤلف میخانه از کتب دیل نیز استفاده کرده است

۶ - تحفه سامی تألیف مام میرزا

۷ - نفایس المآثر تألیف علاء الدوله قزوینی.

۸ - دیباچه دیوان عراقی (رجوع شود به ترجمه حال عراقی ص ۲۹ س ۹)

(۱) دیک میخانه ص ۶۸۷ س ۱۴.

(۲) در بیان حالات شرائیکه پیش از عهد اکبری بودند در نه مقام از این کتاب استفاده

کرده است مثلاً دیک نظامی ص ۱۲ و خسرو ص ۶۲ و ۶۳

۹- دیباچه‌عزّة الکمال (رجوع شود به ترجمه حال حسرو ص ۶۱ س ۱۰)  
 ۱۰- دیباچه دیوان حسین ثنائی (رجوع شود به شرح حال ثنائی ص ۱۹۹ س ۲۰)  
 ۱۱- دیباچه دیوان فیضی (رجوع شود به شرح حال فیضی ص ۲۴۷ س ۹)  
 گاهی از کلام شعرا با حواله آنان و معاصرانشان پی برده‌اسم مثلاً رجوع سوده  
 ترجمه حال اقدسی ص ۲۲۷ و میرزا عاری ص ۲۹۰ و صحیفه ص ۳۱۶ و غیره  
 مؤلف بعضی حالات شعرای دیل را از خودشان تحقیق و در میخانه مندرج  
 کرده‌اسم

۱- شکیبی (ص ۳۰۳ س ۳) ۲- مسمد صوفی (ص ۴۷۶ س ۱۷)

۳- شامور زاری (ص ۵۲۹ س ۱۲) ۴- عارف ایگی (ص ۶۲۹ س ۱۹)

۵- وصلی (۶۶۹ س ۴) ۶- کامل جهرمی (ص ۷۰۵ س ۳)

۷- عسکری کاشانی (ص ۷۲۰ س ۱۴)

محدّین بظاهر حالان حکیم زکاو مرشد بر و جردی و طالب آملی و ملکی و  
 فروبی زاوخی و احوال اکثر یا تمام شعرای مرتبه سوم را از خودشان گرفته‌اسم چون  
 تقریباً ناهمه آنان ملاقات کرده‌اسم  
 احوال شعرای دیل را از بردگان و دوستان و ساگردان و حادمان ایشان  
 تحقیق کرده و نوشته‌اسم

۱- وحشی ۲- عرفی ۳- غیاثی ۴- سحر ۵- ملک قمی

۶- فرفتی ۷- معصوم ۸- صوفی ۹- قصیحی ۱۰- دوسنی سمرقندی

۱۱- عروزی

اس تدکره که مؤلف آنرا «حاصل عمر» خود میداد و میخواستند اس که  
 مضموعه احبار و بیاض سخن « قرار دهد آنچه از حیث شرح حال و جنبه  
 رحیب اشعار شعرا از بهرین تدکره های فارسی اس و مستمل اس بردگر ۹۰